

موضوعات مهم:

- مصاحبه با دکتر صدیقی
(مسئول بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان کشور)
- کنکاش تیپ های دانشجویی (طنز)
- مصاحبه با دکتر نظری
(سرپرست دانشگاه فرهنگیان استان خراسان شمالی)
- چگونه در آموزش و پرورش تحول سازی کنیم؟!
- رویش امید

گاهنامه سیاسی، مذهبی، اجتماعی و دانشجویی صریح
به مناسبت روز دانشجو

صریح
نشریه
S A R I R

شماره ۹_ سال سوم _ آذر ۱۴۰۰

بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان خراسان شمالی
پردیس امام محمد باقر علیه السلام



روز دانشجو
مبارکباد



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسنامه

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان خراسان شمالی، پردیس امام محمدباقر علیه السلام

مدیر مسئول: محمدریحانی

سر دبیر: محمد مهدی کوه نشین

هیئت تحریریه:

محمد ارغیانی، علیرضا اگرامی فر، محمدباقر باوفا، محمد بهاریان، یوسف پیرزاده، حمیدرضا خلیلی، رضا دلیرانی کیکانلو، کمیل سعیدی، محمد علی رضایی فرد، محمدریحانی، الیاس رسولخانی، محمدریحانی، محمد مهدی کوه نشین، محمد حسین گریوانی، عباس محمدی سید محمد موسوی، علی یوسفی

سرپرست ویراستاران: محمد مهدی کوه نشین
گروه ویراستاری: الیاس رسولخانی، محمدریحانی، محمد مهدی کوه نشین

مدیر هنری و طراح: امین اصغری



يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ ﴿٧٩﴾
ای کسانی که ایمان آورده اید اگر خدا را یاری کنید یاریتان می کند و گامهایتان را استوار می دارد.

سوره محمد، آیه هفتم

مقام معظم رهبری:

دوران بزن و درو تمام شده؛ این جور نیست که شما بگویید میزنیم و در می رویم؛ نخیر، پاهایتان گیر خواهد افتاد و ما دنبال میکنیم. این جور نیست که ملت ایران رها کند کسی را که بخواهد به ملت ایران تعرضی بکند؛ ما دنبال خواهیم کرد.

سریر
نشریه
SARIR

فهرست موضوعات

- ۱_ سخن مدیر مسئول و سردبیر
- ۲_ مصاحبه با دکتر نظری (سرپرست دانشگاه فرهنگیان امام محمد باقر بجنورد)
- ۳_ کنکاش تپ های دانشجویی
- ۴_ آموزش مجازی (شعر طنز)
- ۵_ عدم شناخت یا عدم ظرفیت؟
- ۶_ طرح رتبه بندی معلمان
- ۸_ فمینیسم چیست؟ (بخش اول)
- ۹_ مصاحبه با دکتر صدیقی (مسئول بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان کشور)
- ۱۰_ چگونه در آموزش و پرورش تحول سازی کنیم؟
- ۱۱_ توصیه به نماز
- ۱۲_ چیکار کنیم که خدا عاشقمون بشه؟
- ۱۳_ گزیده ای از حکمت های نهج البلاغه
- ۱۴_ تجربیات معلمی (گفتگو با معلم با تجربه)
- ۱۵_ رویش امید
- ۱۶_ مهارت های زندگی (مهارت خود آگاهی)
- ۱۷_ چگونه خشم خود را کنترل کنیم؟!
- ۱۸_ دمی با نظامی گنجوی
- ۱۹_ بازرگان طمع کار (حکایتی از گلستان سعدی)
- ۲۰_ معرفی کتاب (کتاب قصه های خوب برای بچه های خوب)
- ۲۱_ معرفی کتاب (کتاب تفکر تابعی مبتنی بر جریان شناسی تربیت رسمی و غیر رسمی)
- ۲۲_ هوش مصنوعی
- ۲۳_ استعداد ادب و شهری
- ۲۴_ دعوت به همکاری

سخن مدیر مسئول

بماند به یادگار، بر سر در این دفتر، بیت شعری از دل چاک چاک...
از راندن قلمم به سمت وسوی عشقی بی حد و مرز به خود میبالم، عشق به دانش، عشق به آموختن، عشقی که فقط مکتبش را در بین دانشجویان پیدایمی کنید؛ خوشحالیم که باری دگر در میان شما عزیزان هستیم و باعث می شویم تا لحظاتی را با ما شاد شوید؛ با ما بخندید و یا شاید بغض کنید؛ و به خود میبالم که به عشق شما دانشجویان عزیز، شما دانشجویان کوشا و توانا که آینده سازان کشورید توانستیم، قلم های خود را به حرکت در آوریم و شماره ای دیگر را خلق کنیم.

جا دارد از همه ی عزیزان نویسنده و گوینده که همیشه در کنار چشیدن سختی های روبه رو، با عشق و شور و نشاط حاضر بودند؛ نیز تشکر کنم و از حضور آنها و حضور شما پیگیران نشریه که باعث رونق نشریه شدید، کمال تشکر را انجام دهم.



محمد ریحانی

سخن سردبیر

سر آغاز هر نامه نام خداست. که بی نام او نامه یکسر خطاست

سلام و عرض ادب خدمت شما مخاطبان نشریه صریر، دانشجو معلمان عزیزی که فرهنگسازان و آینده سازان این مرز و بوم هستید؛ روز دانشجو، روز عدالت خواهی و استکبار ستیزی رو تبریک میگم ان شاء الله که همیشه سلامت و موفق باشید.

با نهمین شماره از نشریه دانشجویی صریر، شماره ای متفاوت و بسیار جذاب در خدمت شما هستیم، در این شماره که انتشار آن مصادف با روز دانشجو است سعی کردیم از مطالب مختلف و جذابی در زمینه های، سیاسی، اجتماعی، ادبی، دانشجویی، روانشناسی، طنز و... استفاده کنیم مطالبی جذاب و زیبا که مطمئنم از خوندنشون پشیمون نمی شید و کلی لذت می برید.
و در آخر، صمیمانه و از عمق وجود از همه رفقای که در این شماره زحمت کشیدند تشکر می کنم.



محمد مهدی کوه نشین

گاهنامه سیاسی، مذهبی، اجتماعی و دانشجویی صریر
نشریه SARIR
به مناسبت روز دانشجو

مصاحبه با دکتر نظری

سرپرست دانشگاه فرهنگیان خراسان شمالی
(مدیر امور پردیس های استان)

با سلام و عرض ادب خدمت شما و ممنونم که لطف کردید و مصاحبه و گفتگو با نشریه دانشجویی صریر روپذیرفتید.

در ابتدای سخن لطفاً خودتون رو معرفی کنید.

_من، محمدعلی نظری، دکترای علوم قران و حدیث از دانشگاه فردوسی مشهد و عضو هیات علمی دانشگاه فرهنگیان هستم. قبل از اینکه بعنوان عضو هیات علمی دانشگاه فرهنگیان باشم، حدود ۲۰سال در آموزش و پرورش خدمت کردم و بعد وارد دانشگاه فرهنگیان شدم. در ابتدا بعنوان معاون آموزشی کار میکردم و در یک دوره ۳ ساله معاون آموزشی بودم و بعد از آن بعنوان استاد در دانشگاه فرهنگیان تدریس میکردم والان هم مسئولیت مدیریت امور پردیس های استان، به عهده بنده است.

نظرتون راجب دانشجوها و مخصوصا دانشجو معلمان چیه؟

_دانشجویان بعنوان سکانداران فرهنگی کشور، در دانشگاه ها مورد توجه همه مسئولین هستند، مخصوصاً دانشجویان دانشگاه فرهنگیان که این ها از بدو ورود در استخدام آموزش و پرورش هستند و به دلیل اینکه وارد روستاها می شوند، مستقیماً با دانش آموزان و در مرحله بعد مستقیماً با مردم روستا سر و کار دارند یا در شهر ها هم همینطور، ارتباط مستقیم با دانش آموزان و خانواده های دانش آموزان دارند، سعی ما بر این است که این ها را بعنوان مبلغینی برای فرهنگ جامعه تربیت کنیم مبلغینی برای ارتقاء سطح معنوی جامعه تربیت کنیم.
خب در این وضعیت، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان، جایگاهی ویژه دارند و ما هر در این زمینه سعی می کنیم که چه از نظر معنوی و چه از نظر فرهنگی، سطح دانشجو معلمان ما ارتقا پیدا کند.

از حال و هوای دانشگاه غیر حضوری و بدون دانشجو برامون بگید

_قبل از شروع فراگیری بیماری کرونا، حاضر در جلسه ای در بابلسر بودیم. آن موقع من، مدیر گروه معارف اسلامی بودم، در آنجا مطرح شد که چند درس بعنوان دروس مجازی معرفی بشوند و کلاس های این دروس مجازی باشد. یکی از کسانی که مخالف برگزاری کلاس های مجازی در آن جلسه بود من بودم. از این جهت که بخشی از تعلیم و تربیت مواجهه رودرپو با دانشجو است انتقال بعضی از مفاهیم از طریق دیدن استاد صورت می گیرد و رفتار و منش استاد منتقل می شود. شکل حرف زدن استاد منتقل می شود. ویژگی های معنوی و اخلاقی استاد در آموزش حضوری و با دیدن و چشم و چشم از طریق دانشجو منتقل می شود.اما در آموزش غیرحضوری و مجازی این موارد صورت نمی گیرد، ضمن اینکه ممکن است بخاطر این که استاد مجبور است ۹۰ دقیق یکسره صحبت کند، دانشجو خسته بشود و بخشی از صحبت هارا گوش ندهد.با این که ممکن است در بین صحبت های استاد کاری هم برای دانشجو پیش بیاید.آن حالت های انتقال معنویت و منش استاد در آموزش مجازی صورت نخواهد گرفت.صرفاً نوعی انتقال معلومات است ما امیدواریم این شرایط به سرعت از بین برود و دوباره دانشجویان حضور پیدا کنند.
حضور دانشجو، حال و هوای دانشگاه را عوض خواهد کرد. دانشگاه با حضور دانشجو سرزنده و شاداب و پاشناط است، حالا که دانشجو نیست به هرحال کارمندان هستند؛ اما اون حال و هوای حضور دانشجو را ندارند. امیدواریم که این کار به زودی صورت بگیرد.

بازگشایی دانشگاه چه زمانی خواهد بود؟!

_آخرین جلسه ای که درمورد بازگشایی و آموزش حضوری دانشگاه ها برای مدیران استان ها صورت گرفت، روز شنبه همین هفته یعنی ششم آذر ماه بود. اونجا بحث شد راجب حضوری بودن دانشجوها درنیمسال دوم، ۱۴۰۰-۱۴۰۱

نظرات استان ها متفاوت بود، گرچه مدیران تمام استان ها مشتاق هستند؛ آموزش حضوری باشد اما ملاحظاتی هم در این زمینه هست که اگر خدای نکرده دانشجو حضور پیدا کرد و یک مورد بیماری مشاهده شد، آن وقت تبعات این کار چیست؟
و اینکه در شرایط فعلی انجام اینکار هم مقداری مشکل بنظر می آید برای اینکه نمی شود ما مثل قبل از بیماری بگوییم تا دانشجویان فشرده با آن حالت قبل در خوابگاه ها حضور پیدا کنند.برای هراتاقی که دانشجو حضورداشت باید با ۵۰ درصد یا کمتر دانشجو حضور پیدا کند. همینطور در سلف سرویس و کلاس ها.
خب کلاسی که ۴ یا ۵ نفر دانشجو دارند اگر بخواهند همه کنار هم بنشینند دستوالعمل های بهداشتی رعایت نمی شود. با این همه باید چاره اندیشی شود که البته ما و تمام استان ها برای حضوری شدن دانشگاه کارگروه جلسات مراتب دارد و تمام جوانب موضوع را بررسی میکنیم و بنا هست که همه این نظرات جمع بندی شود و به سازمان مرکزی ارسال شود تا آن ها تصمیم نهایی را بگیرند و برای ما بفرستند تا ما هم مطابق دستورالعمل برای نیمسال دوم تصمیم بگیریم.

از اقداماتتون و از اهدافی که دارید بگید.

_من اقدامات را به دو بخش اقدامات درباره فضای فیزیکی و اقدامات درباره فضای معنوی دانشگاه، تقسیم



_من اقدامات را به دو بخش اقدامات درباره فضای فیزیکی و اقدامات درباره فضای معنوی دانشگاه، تقسیم میکنم.در مورد فضای فیزیکی و تعداد دانشجویان:تعداد دانشجویان ما داشت روبه کاستی می رفت وجذب درحال کم شدن بود ما درخواست دادیم تا تعداد دانشجویان ما افزایش پیدا کند؛ از این جهت که هرچقدر جذب دانشجو بیشتر شود، یعنی استخدام بیشتری در استان صورعدت گرفته است. بنابراین اگر ما بجای ۱۰۰ نفر ۵۰۰ نفر را در صورت وجود امکانات جذب کنیم، یعنی اینکه ۵۰۰ نفر دانش آموز را به آینده روشن امیدوار کرده ایم.

خب ما این کار را انجام دادهایم و از سازمان مرکزی درخواست کردهایم، تا آمار دانشجویان ما بالا برود ورشته هارا اضافه کنند. ما امسال رشته ریاضی را درخواست کردیم که خب موافقت نشد ولی با رشته آموزش کودکان استثنایی یا همان آموزش کودکان با نیازهای ویژه، موافقت کردند و ما امسال برای اولین بار یک کلاس در این رشته را از مهرماه دایر کردهایم.

در پردیس خواهران هم جذب دانشجو خیلی کم شده بود بعضی رشته ها را ما داریم از دست می دهیم آخرین سال آن ها با سال ماقبل آخر آن ها است.برای حفظ این رشته ها درحال مشورت هستیم. فضای فیزیکی پردیس خواهران را افزایش می دهیم وشدت درحال پیگیری برای افزایش فضا هستیم حتی اگر شده جاهایی را به شکل اجاره پیدا کنیم و فضا را گسترش دهیم تا جذب ما در پردیس خواهران بیشتر شود. سال۹۹ جذب دانشجو دختر۳۹ نفر بود سال ۱۴۰۰ ما درخواست ۱۵۰ نفر کردیم ولی خب با ۷۰ نفر موافقت کردند. نظر خود سازمان مرکزی این است که اگر شما فضا ندارید چرا درخواست دانشجوی زیاد می کنید. ما نظرمان این است که دانشجو زیاد درخواست کنیم و رشته ها را گسترش دهیم تا دانشجویان و داوطلبان ما مجبور به رفت و آمد به استان های دیگر نباشند. برای پردیس خواهران برای بهبود خوابگاه ها دنبال فضا هستیم و در این زمینه هم دوبار با اقای استاندار جلسه تشکیل دادیم. با معاونین ایشان بارها جلسه تشکیل دادیم تا مقداری فضای فیزیکی پردیس خواهران گسترش پیدا کند و آن ها از نظر خوابگاه وضع بهتری داشته باشند. یک زمین را آن هم با دستور استاندار با اداره کل راه و شهرسازی هماهنگ کردیم.زمین در مکان مناسب با مساحت تقریبی۵/۴ هکتار پیدا کردیم و تفاهم نامه امضا کردیم زمین قطعاً از آن دانشگاه شده است و انشالله در سال های آینده دنبال جذب بودجه برای کلنگ زنی آنجا هستیم. برای پردیس برادران هم سرای جدید دانشجویی که به شکل سوییپ هست نه به شکل خوابگاه های کنونی را احداث کردیم. ۱۰۰ درصد آماده شده است مراحل نهایی را طی می کند و تخت ها و فرش ها و موکت ها درحال جایجایی ایست و سرمایش و گرمایش آن درحال تست است. وضعیت اتاق ها درحال بررسی است و این کار، همین الان در جریان است که اگر دانشگاه ۱۰۰درصد حضوری شد، آنجا را در اختیار دانشجویان قرار بدهیم. فضای بسیار مناسبی است. وانگار یک واحد مسکونی مجزاست. و تمام امکانات از نظیر حمام و سرویس بهداشتی را در خود دارد.درمورد فضای معنوی دانشگاه، کلاس هایی را در جهت بصیرت افزایی وافزایش معنویت گزارا کردیم با بعضی جاها مانند: سازمان تبلیغات اسلامی هم تفاهمنامه امضا کردیم که مبلغ برای ما بفرستند و در فضای مجازی هم کلاس هایی را برگزار کردیم. انشاءالله کلاس ها که حضوری شد این وضعیت بهبود پیدا کند.

بسیج را فعال تر کردیم، امیدواریم تشکل های دانشجویی بیشتر از قبل فعال بشوند. در اولین فرصت ما با تشکل های دانشجویی، جلسه خواهیم داشت که فعالیت آن ها ارتقاء پیدا کند. بیشتر به وظایفی که دارند عمل کنند و وضعیت دانشگاه رنگبان را در استان خراسان شمالی ارتقاء بدهند. بطوری که امیدواریم دانشگاه فرهنگیان خراسان شمالی، از دانشگاه های شاخص استان و بلکه کشور باشد.

و در آخر خواسته و انتظارات شما از ما دانشجو معلمان چیست؟!

_من این جمله رو بارها تکرار کرده ام و قطعاً همکاران و اساتید ما هم همین نظر رو دارند.
اینکه ما وقتی وارد کلاسی میشویم، انگار وارد جمعی خانوادگی شده ایم، چون همه ما یک خانواده هستیم؛ و چیزی تحت عنوان هم سرنوشتی برای ما هم صدق می کند.
همه ما یک سرنوشت واحد داریم بنابراین دانشجو جزئی از دانشگاه است و ما هیچ کلاسی را وارد نشدیم، مگراینه تصور کردیم یک جمع خانوادگی آنجا حضور دارد.
بنابراین باید دوستی ها و احترام متقابل حاکم باشد. ما بین خودمان و دانشجوها فاصله ای نمی بینیم. از حضور دانشجو خوشحال می شویم از هم صحبتی با دانشجو بهره مند می شویم، ودوست داریم دانشجوها حضور پیدا کنند.
به هرحال این زمان ۴ ساله هم به سرعت درحال گذر است پس از این فرصت استفاده کنند.

سوالاتی که دارند و نکاتی که مدنظر آن هاست را مطرح کنند و از علم و تجربه اساتید بهره ببرند. تا اینکه وقتی وارد کلاس شدند با کوله باری از تجربه مفید این نکات و تجربیات را به دانش آموزان هم منتقل کنند. به هرحال گاهی می گویند: «از جوانی استفاده کنید.»
یک استفاده و بهره مندی از فرصت جوانی این است که ما طوری زندگی کنیم و طوری رفتار کنیم که اگر در سال های آینده برگردیم و به گذشته نگاهی بیندازیم پشیمان نباشیم
یعنی سنجیده و حسابگرایانه زندگی کنیم و خیر و خوبی ما به دیگران برسد که اگر۲۰سال آینده برگردیم یک نگاهی به گذشته بیندازیم بگوییم اگر باز هم گذشته تکرار بشود، من همین کار هارا تکرار خواهم کرد.
ما امیدواریم که دانشجویان ما مبلغانی، خوب و عالی در تراز جمهوری اسلامی، برای جامعه اسلامی باشند و در کار معلمی که کار بسیار شریفی هست موفق باشند ما هم مثل آن ها معلم هستیم؛ و از معلمی لذت میبریم در این سی و چندسالی که من معلم بودم اگر زمان به گذشته برگردد باز هم معلم خواهم بود و باز هم از این شغل لذت خواهم برد و از این که در گذشته در جمع دانش آموزان بودم والان در جمع دانشجویان هستم، احساس غرور و افتخار می کنم.
و نکته ای که میخوام اضافه کنم این که شما این مصاحبه را در ایام روز دانشجو، منتشر خواهید کرد. دانشجویان ما از گذشته دارای بصیرت بودند و در مقابل دخالت بیگانگان در کشور ایستادگی کردند؛ روز۱۶ آذر مناسبتش همین است، یعنی در ۱۶ آذر ۱۳۳۲ که ریچارد نیکسون از آمریکا، به تهران مسافرتی داشت و در دانشگاه تهران حضور پیدا کرد، دانشجویان ما در مقابل دخالت های بیگانه اعتراض کردند هیچوقت دوست نداشتند که بیگانگان در کشور ما دخالت بکنند از این جهت آن ها جمع شدند و آنجا اعتراض کردند و ۳ نفر از دانشجویان دانشگاه تهران هم به شهادت رسیدند؛ و به همین خاطر است که ۱۶ آذر برای گرامیداشت یاد همین شهدا و دانشجویان است. بعد ها همین ها با عنوان دانشجویان پیرو خط امام در جبهه ها حضور پیدا کردند و برای مملکت افتخار افرینی کردند؛ باز هم انتظار می رود که دانشجویان ما بخصوص دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان، همان خط را دنبال کنند همان پیروی از دستورات و فرمایشات امام(ره) و سفارشات مقام معظم رهبری را دنبال کنند تا اینکه ما یک کشور مقتدر ومستقل پیرو همان شعاری که قبلاً می دادند: استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی داشته باشیم.

علیرضا اکرامی فر

کنکاش تیپ ها ے دانشجو ے

نظرات دو تن از دانشجویان محترم را در ارتباط با موضوعات مختلف جویا شدیم که تقدیم نگاهتان می کنیم.

اخطاریک!

گفتگوها حقیقی نیست!

اخطار دو!

این متن قصد اهانت به هیچ شخصی را ندارد!

استاد خوب

دانشجوی(۱): به استادی که تعداد جلسات کمتری تشکیل می دهد و به جای کتاب، پاورپوینت در اختیارمان می گذارد. در ردیف آخر کلاس اش به علت فشردگی صندلی ها و عدم دید کافی استاد، همه نوع فعالیتی صورت می گیرد؛ از تقلب گرفته تا فرو رفتن در بحر موبایل و حتی خواب...
استاد خوب استادی است که لحن صدایش از هر قرص خواب آوری، خواب آور تر است؛ و در ردیف آخر کلاس می شود با خیال راحت چرت زد!

علاوه بر این ها به نظر من استاد خوب استادی است که چند جلسه را به مرور خاطراتش از کشور های خارجی اختصاص می دهد و البته ۱۹و نیم را هم ۲۰ می دهد.

دانشجوی(۲): به نظر من استاد خوب استادی است که ضمن معرفی کتاب مرجع به عنوان منبع اصلی، چند کتاب جانبی نیز معرفی می کند. امتحان میان ترم می گیرد و تا ثانیه آخر اتمام کلاس مشغول تدریس است.

درس خواندن و امتحان

دانشجوی(۱): زمان اندیشیدن به تفکرات و اندیشه های گوناگونی که مدت ها در طاقچه ذهن گردو خاک می خوردند. زمان پر شدن گالری موبایل از عکس های جزوه ها و کتاب ها. زمان هجوم حالت خواب آلودگی و...
دانشجوی(۲): هنگامه محک زدن اندوخته های ترم تحصیلی، حداقل سه دور کردن کتاب ها و جزوه ها.

سلف سرویس

دانشجوی(۱): محل صرف غذا هایی که هیچ احدی جز دانشجو ها توانایی هضم آن ها را ندارند!

دانشجوی(۲): فرصت نیکو جهت گردهمایی و بحث در مورد موضوعات درسی در هنگام صرف غذا.

پردیس امام محمد باقر بجنورد

دانشجوی(۱): مکانی دور افتاده و برهوتی بی آب و علف که محل تجمع دانشجو معلمان است! محل زیست انواع و اقسام گونه های جانوری (با قابلیت رقابت پذیری با جنگل های آمازون از نظر تنوع زیستی) از عقرب و مار و موش گرفته تا گرگ و...
دانشجوی(۲): نگین تعلیم وتربیت استان

بخش آموزش

دانشجوی(۱): مکانی که همیشه خدا سیستم و سامانه در آن قطع است.

دانشجوی(۲): محل رایزنی فشرده در مورد کلاس ها و...

حراست دانشگاه

دانشجوی(۱): معرکه ای بس رازآلود! (به همین مقدار بسنده فرمودند)

گاهنامه سیاسی، مذهبی، اجتماعی و دانشجویی صریر
نشریه SARIR
به مناسبت روز دانشجو



دانشجوی(۲): (وی سکوت اختیار فرمود و چشم های خود را به این طرف و آن طرف حرکت داد!!!)

دانشگاه فرهنگیان

از شما مخاطبین محترم نشریه صریر دعوت به عمل می آید تا نظر خود را در مورد دانشگاه فرهنگیان در یک خط به آیدی سردبیر نشریه ارسال فرمایید تا در شماره های بعدی از نظرات شما (به نام خودتان) در متن طنز بعدی استفاده کنیم...

سخن پایانی: ضمن تبریک روز دانشجو؛

پیامبر اکرم(ص):

هر که در جستجوی دانش باشد، بهشت در جستجوی اوست.

(منتخب میزان: ۳۹۸۰)

سید محمد موسوی

عدم شناخت یا عدم ظرفیت؟!!

دادند و به قول معروف استعداد ناب هستند. اما چه زمانی ممکن است این رویه تغییر کند؟ زمانی که تیم تعیین کننده مدیر، پرسنل را نمی شناسد یا با فعالیت ها و الزامات آن آشنا نیست؛ یا اصلا معیاری برای انتخاب مدیر وجود ندارد. در این حالت انتخاب از بین پرسنل با سفارش کسانی است که این تیم به آن افراد اعتماد دارد یا فردی خارج از آن مجموعه است.

حالا تصور کنید این اداره، دارای پرسنل بیشتر و زیر مجموعه هایی باشد، مسلما تیم تعیین کننده مدیر، همه پرسنل را نمی شناسد؛ اما آیا برای انتخاب مدیر برای چنین مجموعه ای، نیاز است همه افراد سنجیده شوند؟ آیا نمی توان با در نظر گرفتن سنجه هایی متعدد، پرسنل را از این جهت غربالگری کرد.

وقتی سنجه ای در کار نباشد یا الزامی به رعایت آن نباشد، یا اینکه سنجه ها درست انتخاب نشوند، انتخاب سخت است و برخی هم با ایجاد های و هوی تلاش می کنند خود را به تیم تعیین کننده مدیر معرفی کنند و اصولاً فضای انتخاب به دلیل حضور افرادی که به دنبال کسب جایگاه هستند، غبار آلود است و در این حالت، افرادی مطرح می شوند که اصولاً کمترین مطابقت را معیارهای مدیریت آن مجموعه دارند.

در مجموعه ای که یک میلیون پرسنل دارد و اهمیتش به مدد پویایی آن است، آیا می توان باور کرد که گزینه های متعددی برای نامزدی ریاست آن یافت نشود؟!!

محمد باقرباوا

آموزش و پرورش یکی از مهم ترین و اصلی ترین ارکان فرهنگ در کشورهاست.

به قدری اهمیت این وزارت خانه مهم است که رهبر معظم انقلاب اسلامی، معلمان را: «افسران سپاه پیشرفت کشور» خواندند.

اما در ماه های اخیر که برای انتخاب وزیر این وزارتخانه و معرفی آن به مجلس، در دولت سیزدهم با پیشنهادات فضایی و نامتعارف مواجهه شدیم، این سوال در ذهن ما و دوستان ما ایجاد شد که آیا آموزش و پرورش که بیش از یک میلیون کارمند دارد یک گزینه با تجربه، کاردان، و آشنا با مشکلات این وزارتخانه وجود ندارد؟

پاسخ به این سوال واضح و روشن است. آیا سیستم سفارش گزینه پیشنهادی از سوی افراد مختلف، راهکار مناسبی برای انتخاب وزیر آینده آموزش و پرورش است؟!!

آیا نباید تیم تعیین وزیر به دنبال انتخاب گزینه پیشنهادی از درون خانواده تعلیم و تربیت و آن هم به روش بهتر می بود؟

فرض کنید قرار است برای یک اداره با ۱۰۰ نیرو، مدیری تعیین شود و این موضوع به تیمی سپرده شده است. اگر تیمی که قرار است انتخاب مدیر را انجام دهد، آشنا به پرسنل این اداره باشد، مسلما گزینه هایی را از درون این اداره برای مدیریت انتخاب می کند. مسلماً این گروه از بین ۱۰۰ پرسنل برای انتخاب افراد پیشنهادی، معیارهایی دارد که این موضوع موجب می شود انتخاب، روند سهل تر به خود گیرد؛ به عنوان مثال افرادی که سلسله مراتب اداری را طی کردند و با تجربه تر هستند، در اولویتند یا افرادی که اقدامات ویژه انجام

آموزش مجازی

(شعر طنز)

مرا بیدار می کردند از خوابم رفیقانم
وگر نه من کلاس صبح هارا خواب می مانم

پیشانم چونان آهوی سرگردان در یک دشت
وجودم غرق بیداری و در خواب است چشمانم

و روشن می کنم لب تاپ نسل چکش خود را
اگر چه که دلم خون است از این قاتل جانم

و او پت پت کنان آرام بر می خیزد از خوابش
و روشن می شود با ناز و منت توی دستانم

رفیقانم پیامک پشت هم هی زنگ پشت زنگ
و می لغزد به هم از ترس این استاد، دندانم

اگر یک غیبت دیگر برایم رد کند قطعا
دوباره در سرآشویی این تکرار می مانم

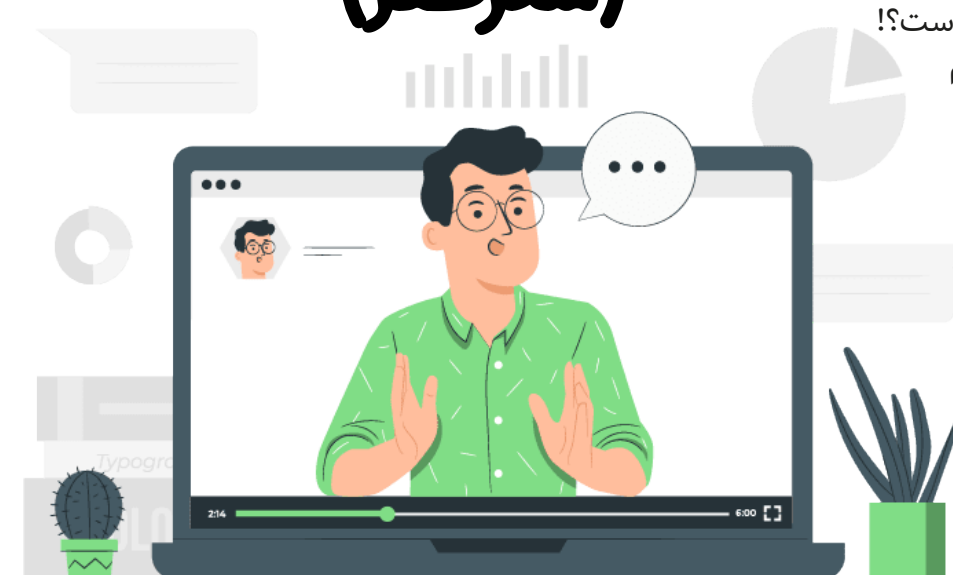
دقیقا لحظه ای که سایت بالا آمد و وا شد
شتاب کندی اینترنت من کرد مهمانم

جهان تار است و چشمم تار و وضع درس هم مبهم
چونان رودی که جامانده است از دریا پیشانم

مجازی بودنش هم حسن دارد هم که جانکاه است
به من رو کرد جانکاهی او از شانس داغانم

چه فردی گفت دانشگاه یک آغاز شیرین است؟!
که حق خویش را از باعث و بانیش بستانم

علیرضا اکرامی فر



حق و حقوق

اگر معلم يا دانشجومعلم باشيد، حتما نام رتبه بندي معلمان را شنيده ايد؛ و همه اين را هم شنيده ايم كه در فلان كشور يك معلم، مبلغ بالايي حقوق مي گيرد يا يك معلم، بايد حقوق كافي بگيرد تا به نحو شايسته وظيفش را انجام دهد و بالاتر از همه اينكه معلم خوب، اساس پيشرفت يك كشور است. همه اين سخنان درست و حقيقت است و شكي هم در آن نيست. از اول انقلاب تاكنون دولت هاي مختلف، مسئولان مختلف، اراده ها و برنامه هاي مختلف، نهايتا نتوانسته اند يك نظام پرداخت هماهنگ و راضي كننده و عادلانه براي معلمان اجرا کرده و آنها را راضي كنند. معلم بوده و دغدغه هميشگي اش يعني معيشت خوب و نهايتا زندگي آبرومندانه كه اگر نباشد، معلم به جاي دغدغه كلاس و درس و تربيت بچه هاي اين سرزمين دچار دغدغه معاش خواهد شد؛ البته اين را آنقدر همين عزيزان معلم م در سال هاي مختلف مطالبه و پيگيري کرده اند، كه حالا ورد زبان مسئولان هم هست و همين صحبت هايي را كه اول مطلب نوشتيم همه مسئولان از حفظند! لايحه رتبه بندي معلمان، سال ۹۲ به مجلس ارائه شد كه يكبار براي هميشه دغدغه معيشت و تبعيض معلمان را حل كند؛ اما تا الان به نتيجه نرسيده است البته كه نمايندگان مجلس مي گویند، همين ماه كارش به پايان مي رسد. اين لايحه چهار دولت به خود ديده است و بارها چه در مجلس و چه در دولت دچار تغييرات شده است. اصلي ترين موضوع در اين لايحه همسان سازي ۸۰ درصدی حقوق معلمان با مربي آموزشياريان و مربيان دانشگاه هاست. معلمان در اين طرح به پنج رتبه: آموزشياري معلم، مربي معلم، استادياري معلم، دانشياري معلم، و نهايتا استاد معلم تقسيم بندي مي شوند. معلمان، بدو خدمت به عنوان آموزشياري معلم، شناخته مي شوند. ارتقاي رتبه نياز به پنج سال توقف در رتبه ي قبلي دارد؛ البته خدمت در مناطق محروم اين مدت را يك سال كاهش مي دهد و حداقل سابقه براي دانشياري معلم شدن ۱۵ سال و براي استاد معلمی ۲۱ سال است. ارتقا از هر رتبه به رتبه ي بالاتر به ترتيب ۲۵، ۲۰، ۱۵ و ۱۰ درصد به مجموع مبلغ حكم كارگزيني اضافه خواهد شد. در اين طرح معلمان با مدرک کارشناسی و پايين تر با مربي آموزشياريان و معلمان با مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر با مربيان دانشگاه ها سنجيده خواهند شد. در اجراي اين طرح ابتدا معلمان در رتبه هاي پنج گانه قرار

مي گيرند و درصد مشخصي به حقوق آنها اضافه خواهد شد اگر با اضافه شدن اين درصد حقوق معلمان به مبلغ همسان سازي ۸۰ درصدی نرسيده باشد، اين اختلاف طبق بندي به حقوق اضافه خواهد شد. در صورت تصويب و اجراي اين طرح، حداقل حقوق آموزشياري معلم با مدرک کارشناسی بعد از اجراي طرح به ۵,۹۰۰,۰۰۰ تومان و با مدرک کارشناسی ارشد به ۶,۹۰۰,۰۰۰ تومان خواهد رسيد و به نظر مي رسد كه همسان سازي كردن حقوق معلمان با مربي آموزشياريان و مربيان وزارت علوم هم اتفاق خاصي را در معيشت معلمان رقم نخواهد زد. البته اگر اين همسان سازي، نظير به نظير انجام مي شد، كه ابتدا هم بنابر همين بوده آموزشياري معلم، با آموزشياري و نهايتا استاد معلم با استاد، دغدغه معيشت و مسئله حقوق فرهنگيان براي هميشه حل مي شد. اما امكان اجراي چنين طرحي يعني همسان سازي نظير به نظير در حال حاضر به دليل بار مالي آن وجود ندارد، و بهتر بود كه به جاي حذف همسان سازي نظير به نظير اين طرح از دستور كار خارج مي شد تا فرا رسيدن زمان مناسب. رتبه بندي معلمان در بدترين وضعيت ممكن در حال تصويب است، زماني كه دولت چاپ پول را حرام مطلق مي داند و به اجبار همسان سازي نظير به نظير بايد در مجلس حذف شود. دولت مي توانست با پيشنهاد نمايندگان، حقوق معلمان را در اين برهه افزايش داده و سپس زماني كه بودجه دولت جوابگو بود، طرح رتبه بندي بدون حذف همسان سازي نظير به نظير در مجلس تصويب مي شد و دولت آن را اجرا مي كرد.

اين طرح كوهيست كه نهايت موش خواهد زاييد و افزايش حقوق هاي متناسب براي معلمان را هم در آينده از نظر من نگارنده دچار مشكل خواهد كرد. اين بيست و پنج هزار ميليارد تومني كه نهايتا دولت توانسته است به هزار مشقت در اين اوضاع كسري بودجه و درآمدهاي دولت اختصاص دهد، براي اجراي اين طرح در توافق با مجلس همان طور كه عرض كردم بهتر بود، صرف افزايش حقوق معلمان مي شد و سپس رتبه بندي متناسب با درآمد هاي دولت بدون حذف همسان سازي نظير به نظير تصويب مي شد.

بيچاره معلم.....

عباس محمدی

فمینیسم چیست؟! بخش اول: معرفی

فمینیسم، گستره‌ای از جنبش‌های سیاسی، ایدئولوژی‌ها و جنبش‌های اجتماعی است که به‌دنبال تعریف، برقراری و دستیابی به حقوق برابر جنسیتی در مسائل سیاسی، اقتصادی، شخصی واجتماعی است. فمینیست‌ها بر این باورند که جوامع، دیدگاه مردان را در اولویت قرار می‌دهند و با زنان در این جوامع به صورت منصفانه‌ای رفتار نمی‌شود. تلاش‌ها برای تغییر این وضعیت، شامل مبارزه با کلیشه‌های جنسیتی و تلاش برای فراهم‌آوری موقعیت‌های تحصیلی و شغلی برابر با مردان برای زنان است.

سعی جنبش‌های فمینیستی در مبارزه برای حقوق زنان است؛ از جمله این حقوق: حق رای، حق کار، حق کار دولتی، درآمد یکسان، پرداختی برابر میان زنان و مردان و از بین بردن فاصله موجود در این مسئله، حق مالکیت، حق تحصیل، حق امضای قرارداد، حقوق برابر در ازدواج و حق مرخصی زایمان است. فمینیست‌ها همچنین برای یکپارچه‌سازی اجتماعی و تضمین حق سقط‌جنین قانونی برای زنان تلاش کرده‌اند. از دیگر اهداف آنان محافظت از زنان و دختران در برابر تجاوز جنسی، آزار جنسی و خشونت خانگی است.تغییر در نوع پوشش و نوع نگاه جامعه به فعالیت‌های فیزیکی نیز معمولاً بخشی از جنبش‌های فمینیستی بوده‌است.

برخی از محققان فمینیسم را محرک اصلی تغییرات اجتماعی برای حقوق زنان در طول تاریخ می‌دانند؛ این موضوع به‌خصوص در غرب پررنگ‌تر است؛ جایی که این جنبش را تا حد زیادی زمینه‌ساز دستیابی به حق‌رای زنان، زبان فراگیر، حقوق باروری (شامل دسترسی به راه‌های پیشگیری از بارداری و سقط جنین قانونی)، حق امضای قرارداد و مالکیت می‌شناسند. با وجود اینکه تمرکز اصلی

فمینیسم بر روی حقوق زنان است، برخی فمینیست‌ها مانند بل هوکس محدودیت در آزادی‌های مردان را بخشی از اهداف خود می‌دانند؛ زیرا باور دارند مردان نیز از نقش‌های سنتی جنسیتی آسیب می‌بینند. نظریه فمینیست، که از دل جنبش‌های فمینیستی برخاسته، به دنبال درک ماهیت نابرابری جنسیتی با استفاده از تجزیه و تحلیل نقش اجتماعی زنان و تجربه زندگی آنان است.

تاریخ جنبش‌های برابری‌خواهانه در ایران به اواخر دوره قاجاریه بازمی‌گردد. حقوق زنان در ایران با انطباق این کشور با ارزش‌های غربی در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیست دستخوش تغییراتی شد و روبه بهبود نهاد. در طول قرن بیستم، جنبش‌های سکولار، لیبرال، ناسیونالیست و چپ‌گرا معمولاً حقوق زنان را به عنوان بخشی از دغدغه‌های خود مطرح می‌کردند.

تاریخ جنبش فمینیستی غربی به چهار موج تقسیم می‌شود. موج اول تلاش زنان برای دستیابی به حق رای در قرون ۱۹ و ۲۰ را شامل می‌شود. موج دوم را مربوط به جنبش آزادی‌بخش زنان می‌دانند. این جنبش در دهه ۶۰ میلادی قرن بیستم شروع شد و هدف آن برقراری برابری اجتماعی و قانونی بود. موج سوم مربوط به جنبشی است که حدوداً در ۱۹۹۲ آغاز شد. تمرکز این موج بر فردیت و تفاوت‌ها بود. در نهایت موج چهارم به سال ۲۰۱۲ شروع شد. موج چهارم فمینیسم با استفاده از رسانه‌های اجتماعی در پی مبارزه با آزار جنسی، خشونت علیه زنان و فرهنگ تجاوز برآمد.

در ادامه و بخش دوم به اثرات و پیامد های مثبت و منفی فمینیسم اشاره خواهیم کرد.

با سلام و عرض ادب خدمت همه دانشجو معلمان عزیز به ویژه مخاطبان عزیز نشریه صریح، در خدمت دکتر صدیقی هستیم

در ابتدای کلام ازتون خواهشمندم که خودتون رو برای دانشجو معلمان عزیزمون معرفی کنید.

_صدیقی هستم، معلم رسمی آموزش و پرورش. کارشناسی خودم رو در رشته مهندسی گرایش سیالات خوندم و بعد هم کارشناسی ارشد رو در رشته تحقیقات آموزشی که از زیر گروه های علوم تربیتی است و دوره دکتری رو هم در رشته سنجش و اندازه گیری طی کردم الان هم که در مجموعه ستاد راهبری تخصصی سازمان بسیج دانشجویی در دانشگاه فرهنگیان مشغول هستم و غیر از حضور در فضای رسمی کلاس، الباقی وقت رو بصورت غیر رسمی و رسمی در مجموعه بسیج دانشجویی، خدمت دوستان خودم در سراسر کشور هستم.

درمورد بسیج دانشجویی فرهنگیان و اهداف آن توضیح بدید.

_از آنجا که مجموعه بسیج بعنوان یک مجموعه مردمی متعلق به آرمان ها و دغدغه های انقلاب است، طبیعتاً بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان هم از این قاعده مستثنی نیست. آنچه که در مجموعه بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان، بعنوان هدف کار دیده شده، این است که بتواند در موضوع تربیت معلم برای رسیدن به مسئله تحول، گام های جدی بردارد. ما معتقدیم اساس تحول در نظام آموزش و پرورش، تحول در نیروی انسانی و عامل و کنشگر اصلی آن یعنی معلم است. لذا به همین دلیل هم ما معتقدیم اگر کاری جدی انجام می شود باید منجر به رسیدن به چنین هدفی در انقلاب اسلامی بشود. ما هم از این قاعده مستثنی نبودیم به دنبال این بودیم که بتوانیم مجموعه بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان را با چنین هدفی هدفگذاری کنیم. لذا تمام تلاش هم این بوده و هست. لذا مجموعه بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان، به تعبیری به عنوان یک رسته تخصصی از بسیج دانشجویی، به دنبال این هدف است که بتواند ماموریت تخصصی خودش را در حیطه نظام تربیت رسمی به خوبی ایفا کند تا انشالله بتواند با ایفای این نقش یک سرمایه گران بهایی را از دانشجو معلمان انقلابی، دغدغه مند و مسئله فهم، تحویل نظام آموزش و پرورش بدهد تا بتوان با این کار، با شکل گیری یک توده از کنشگران مجاهد در عرصه نظام تعلیم و تربیت که هم دغدغه اصلی آن ها رسیدن به هدف تحول در نظام آموزش و پرورش است و هم فهم آن ها نسبت به این موضوع شکل گرفته انجام بدیم. لذا می توانم به احتمال، اینگونه عرض کنم که ماموریت اصلی بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان، تربیت کادر تراز ی است که بتواند در آینده نظام تعلیم و تربیت به خوبی ایفای نقش کند و به ازای این ایفای نقش بتواند انتظار چهل ساله انقلاب اسلامی که همان تحول بنیادین در نظام تربیت رسمی کشور هست را محقق کند.

از مهم ترین اقداماتتون در بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان در زمان مسئولیتتون برامون بگید

_بنای اصلی ما در مجموعه بسیج دانشجویی این بود که بتوانیم یک شبکه اجتماعی از مجموعه و جامعه معلمین مسئله فهم و دغدغه مند ایجاد کنیم؛ لذا به همین دلیل سعی کردیم که کمک کنیم در همه حوزه های مختلف معلمینی در دانشگاه فرهنگیان تربیت کنیم که پس از خروج از جریان تربیت معلم یا دانشگاه فرهنگیان نسبت به موضوع و مسئله های آموزش و پرورش نگاه عمیق و دقیق تری را داشته باشند. لذا در این باب سعی کردیم در همه حوزه ها اعم از حوزه هایی که مربوط به مباحث مبنایی نظام تعلیم و تربیت است اعم از نظام فکری عرصه تحول متناسب با انتظار انقلاب اسلامی و همچنین رشد فهم عالمانه نسبت به مسئله ها و موضوعات تحول در نظام آموزش و پرورش و کنش های میدانی مثل عملیات های جهادی و یا فرایند های گفتمان سازی و مطالبه گری متناسب با دغدغه ها و مسئله های اصلی خودمان فعالیت داشته باشیم. به همین دلیل شاید بتوانم اینگونه عرض کنم که مهم ترین اقدام صورت گرفته این است که بتوانیم امروز درباره یک شبکه ای از نومعلمان انقلابی دغدغه مند و مسئله فهمی صحبت کنیم که امروز در سراسر کشور ظهور و بروز دارند.

از پروژه ها و اهداف کوتاه مدت و بلند مدت بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان برامون بگید.

_در کوتاه مدت ما به دنبال این هستیم که بتوانیم جریانات معلمی را نسبت به هویت معلمی خودشان مجددا دچار یک دگرگونی کنیم و به دنبال آنیم که عزت معلمی در وجود مجموعه دانشجومعلمی بعنوان نسل نو بنشیند؛ و در بلندمدت هم طبیعتاً به دنبال این هستیم که با تکامل در فهم و دغدغه و ایجاد یک شبکه ماموریت محور که نسبت به موضوع تحول بنیادین شکل گرفته و دائماً به دنبال این است که با عمیق تر و دقیق تر شدن و بسیط تر شدن خود

مصاحبه

مصاحبه با دکتر صدیقی

(مسئول بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان کشور)

درباره تحول بنیادین و اقداماتی که در راستای تحقق آن انجام دادید توضیح بدید.

_اساسا بنظر ما تحول بنیادین یکی از مفاهیمی است که به دلیل نوع برخورد کلیشه ای و سیاسی با آن خیلی عمیق مورد درک و فهم قرار نمی گیرد. لذا بنظر میاد که خود همین مفهوم بعنوان بزرگ‌ترین سوال و بزرگ‌ترین مسئله برای درک، فهم و همچنین صورت بندی نظامات کاری، اجتماعی و حتی تشکیلاتی ما باید باشد. اونچیزی که ما از تحول بنیادین فهم می کنیم، حقیقتی به این معنی است که باید یک تغییرات عمیق و وسیع در نظام تعلیم و تربیت با مختصات حرکت انقلاب اسلامی شکل بگیرد. تحولی که باید در آن به تعبیری مجموعه نظام تربیت رسمی ما دوباره از بن کنده و ساخته شود. به همین دلیل این تحول باید هم در مبانی و هم در فرایند ها و هم در عینیات و میوه ها و محصولات که در نظام آموزش و پرورش وجود دارد رخ دهد. لذا ما معتقدیم مفهوم تحول بنیادین باید ناظر به کارکرد های آینده آموزش و پرورش صورت پذیرد. و آن کارکرد ها هم منطبق بر انتظاراتی است که یک جامعه الهی و انسانی باید از او داشته باشد. و چون نظام آموزشی مدرن برای دنیای دیگری بغیر از این دنیا ساخته شده است و طبیعتاً نمیتواند پاسخگو به سوالات هویت ساز دنیای نوید دهنده انقلاب اسلامی باشد، معتقدیم که باید ما به دنبال این باشیم که نظام تربیتی رسمی دیگری را بتوانیم نهادینه کنیم که مبنای حرکت آن مبنای تقویت جامعه الهی شود به همین دلیل معتقدیم که عناصر و هم منظومه ارتباطاتی که بین این عناصر وجود دارد باید بطور جدی مورد بازنگری قرار بگیرد. در این راستا هم بنظرم می آید که آن اقداماتی که باید انجام بشود ابتدایی ترینش این است که ما باید بتوانیم اولاً شبکه ای از انسان های مسئله فهم، دغدغه مند، کنشگر و آماده به رکاب برای این اتفاق تربیت کنیم و در گام دوم فهم خودمان از مسئله ها را بتوانیم توسعه دهیم و به ازای این توسعه فهم عمومی، دائماً فهم خودمان را عمیق تر و باز هم بسیط تر بکنیم و این ها اقداماتی است که باید صورت گیرد و آن‌چیزی هم که ما امروز در آن مرحله قرار داریم تربیت نیروی انسانی و کنشگر است که باید بتوانیم آن را محقق کنیم تا ان شاء الله به فضل الهی با ایجاد این شبکه ملی بتوانیم به گام دوم نزدیک تر شویم.

سطح تاثیر گذاری فعالیت ها یا سطح کیفیت فعالیت های بسیج رو چطور ارزیابی میکنید؟

_طبیعتاً مجموعه بسیج، مجموعه ای تشکلی است و به همین دلیل هم لزوماً تصویر این که در همه فضای عمومی دانشگاه می تواند حضور و دخالت داشته باشد نیست. بالاخره فرایند های نظام آموزشی رسمی از اراده هایی مثل بسیج خارج است. بسیاری از فرایند های دانشجویی و حتی فرهنگی از اراده بسیج خارج است و خیلی از تصمیمات در لایه های رسمی آن گرفته می شود. اما واقعاً به دنبال این بودیم که بتوانیم به هر میزان که میتوانیم در فضای غیر رسمی ورود کنیم و از فضای غیر رسمی جامعه دانشجویی استفاده کنیم تا بتوانیم فرایند تکامل هویت او را شکل دهیم. لذا مجموعه بسیج هم به دنبال این بود. اما اینکه چقدر موفق بوده ایم و توانسته ایم را باید مخاطب قضاوت کند. اما واقعاً دست فرمان ما برای حرکت به این سمت بوده است. نه خودمان توان کاملی داریم و نه اینکه به حقیقت همه ساختاری سازمان دانشگاه دست ماست. و معتقدیم آن چیزی که می تواند ما را به یک سر منزل مقصود برساند، رسیدن به یک اراده جمعی است بنای ما بر این بوده است که این انجام شود. شاید اگر در شرایط حال بخواهم گفت و گو کنم نسبت به وضع مطلوب خیلی عقب افتادگی داریم. خیلی!

اما اگر قرار باشد نسبت به گذشته قضاوت کنم می توانم امروز قضاوت خودم را از تولید و توسعه شبکه ای از بچه های نو معلم دغدغه مند ارائه دهم، نشان از قسمتی از تاثیر گذاری است، چون می دانید که بعضی از تاثیر گذاری ها در آینده خودشان را نشان می دهند. الا ای حال خُب تلاش زیادی را سعی کردیم هم در کمک به دانشگاه (که حالا این کمک چه بعنوان طرح و ایده و این ها باشد، چه بعنوان سوال و مطالبه گری و امثال هم باشد) در مجموع می توانم بگویم که تلاش جدی ای در این امر داشته ایم.

علیرضا کرامی فر

چگونه در آموزش و پرورش تحول ایجاد کنیم؟!

این روزها تحول، واژه پرکاربردی میان دغدغه مندان عرصه تربیت است.

کسانی که از روزمرگی فراری اند و به دنبال تلاش برای ادای تکلیف اجتماعی خود هستند. اما این واژه، برخلاف ظاهرش، باطنی وسیع و پنهان دارد که شاید کمتر کسی بتواند از تمام ابعاد به آن بنگرد.

این مقاله ی کوتاه، شامل دو بخش میشود که در بخش ابتدایی آن، خیلی کوتاه به چگونگی ایجاد تحول میپردازیم و در بخش دوم آن، نقش معلم را در این مسیر بررسی می کنیم.

تحول خواهی در آموزش و پرورش، تازمانی که در گفتار سیر می کند و یا مدعیان آن در مرحله ی شعار و انتقاد به سر می برند، منظره ایست که از دور زیباست. اما افراد، هرچه نزدیک و نزدیک تر می شوند، با فضایی بسیار بهم ریخته و گسترده مواجه می شوند که یا قالب تهی می کنند و به سراغ همان روزمرگی میروند، و یا سردرگم و حیران به کار خود ادامه میدهند و منتظر فرجی می مانند.

اگر کمی دقت کنیم، این سردرگمی (که البته تا حدی طبیعی است)، علتش در «آگاهی» های محدود این افراد است. چراکه انسان زمانی می تواند درست تصمیم بگیرد که فضا را به خوبی بشناسد و تحقیقات خود را نسبت به کمبودها و خلأ های علمی و عملی آن تکمیل کند.

اگر این هادرست انجام شود، ماتنها، مرحله «مسئله شناسی» را گذرانده ایم و تا مرحله ی «مدل سازی» و «اجرا» مسافت زیادی مانده است.

افراد معمولاً زمانی که مقداری در مسئله شناسی، پیشرفت میکنند و متوجه خلأها می شوند، عجولانه به دنبال اصلاح وضعیت میروند و از روش آزمون و خطا و نظریه پردازی های مختلف می خواهند خلأها را پر کنند.

اما راستش را بخواهید، مسئله کمی پیچیده تر از آن است که فکرش را میکنیم.

«مدل سازی»، مرحله ای است که به راحتی میسر نمی شود، و هرکسی نیز نمی تواند از پس آن برآید. آن هم برای کشوری مثل ما که ادعای اسلامی بودن دارد و تلاش می کند تا پرچم اسلام را در سراسر جهان برافراشته کند.

اکنون به صورت خیلی مختصر و کوتاه اشاره ای به فرایند مدلسازی خواهیم کرد.

اساساً علوم انسانی به خودی خو، جزو پیچیده ترین و البته مهم ترین علوم دنیا است چه برسد به اینکه این علم، بخواهد در

معیار های اسلام نیز بررسی شود و اصطلاحاً «اسلامیزاسیون» شود.

امام رضا علیه السلام میفرماید: «عَلَيْنَا إِقَاءُ الْأُصُولِ وَ عَلَيكُمْ التَّفَرُّيْغُ» (وسائل الشیعه ج ۲۷ ص ۶۲)

«ما سرچشمه ها و ریشه ها را بیان میکنیم و دستیابی به کاربرد آنها در موقعیت های مختلف با شما»

این حدیث ناب که برای اهلش بسیار قابل تامل است، می خواهد بگوید که اگر کسی بتواند در مسائل مختلف، قواعد راهبردی را از متن دین استخراج کند، با غور در سیستم «فقهی فلسفی»، میتواند مدل مد نظر خود را بیابد.

وقتی ما می خواهیم تربیت را در تراز اسلام و دستگاه انسان ساز آن دریابوریم، اول از همه نیاز به بدست آوردن ابزار های آن داریم، در غیر این صورت نمی توانیم در جایگاه نظر دادن به ایستیم چراکه نظریه پردازی در هر علم، تخصص در آن را میطلبد و این جزو بدیهی ترین قواعد پژوهشگری است، البته جهان غرب، به دلیل نداشتن ایدئولوژی منسجم و یکپارچه که بخواهد برای تمامی شئون انسان و تعالی او برنامه ریزی کند (همچون اسلام برای مسلمانان)، مجبور به آزمون و خطا در عرصه ی تربیت شده است و اگر هم فکر می کنید در این زمینه موفق بوده، سخت در اشتباهید!

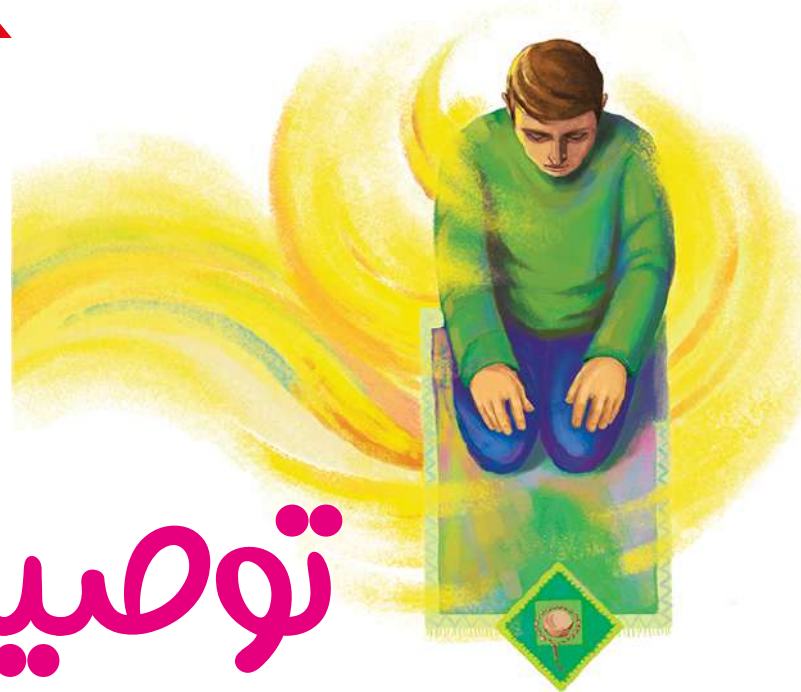
زیرا غرب، تمام انسان را محصور در عالم ماده کرده و سیستمی که در دستگاه آموزشی خود پیاده سازی کرده نیز برای تعالی او در همین کثرت کده ی دنیاست که میلیون ها بار با افقی که اسلام برای انسان سازی در نظر دارد، فاصله دارد.

شهید مطهری رحمت الله علیه در یکی از مقالات خود میفرماید:

«هر ایدئولوژی ای، بر اساس یک جهان بینی ای مبتنی است. یعنی اول جهان شناسی را در دل خودش انجام میدهد و تفسیر درست و دقیقی از جهان و چگونگی آن و ضوابط و قوانین آن میدهد، سپس زندگی را بر مبنای این جهان بینی می سازد و پیش می رود. پس هر زندگی ای مبتنی بر یک ایدئولوژی ای است و هر ایدئولوژی ای هم مبتنی بر یک جهان شناسی.»

اسلام، با افق ملکوتی شدن انسان و سیر او در عوالم هستی پا به میدان تربیت گذاشته است و داعیان عرصه ی تربیت، برای برنامه ریزی در سیستم آموزشی، باید یا خود با ادبیات دین آشنا شوند یا به سراغ افرادی که عمرشان را در این زمینه گذاشته اند بروند؛ یعنی کسانی که با ساختار وجودی انسان و نوع ساختار عوالم هستی و نحوه ی تطبیق اینها بر جامعه ی کنونی، آشنایی کامل دارند.

حال شاید بحثمان کمی شفاف تر شده باشد. مدل سازی در تربیت اسلامی به این صورت است که با استفاده از قواعد فقهی و بهره گیری از متن دین، الگوی همه جانبه ای برای برنامه ریزی بدست آوریم و متناسب با نیاز های جامعه، سیستمی طراحی کنیم که در آن، خواه و ناخواه تربیت مد نظرمان ایجاد شود.



توصیه به نماز

السلام، پیکر فرزند شهیدش را دید و صبر پیشه کرد، من هم همین کار را می کنم، این پسر هدیه ای از طرف خدا بود و ما الان او را دوباره به خدا بازگردانیدیم؛ انسان برای هدیه ای که می دهد گریه نمی کند پسر هدیه من به انقلاب است، همه جان و مال من فدای انقلاب و اسلام همانگونه که صادق را به جبهه فرستادم فرزندان دیگرم را هم خواهم فرستاد.»

پدر صادق، هرگز در جمع گریه نکرد هر وقت تنها بود می دیدم گریه می کند.

می گویند اولین سوال قیامت از نماز است، اگر نماز انسان قبول شود بقیه اعمال او نیز قبول می شود و در احادیث هست که همه اعمال ما تابع نماز ماست.

مادر شهید، ادامه می دهد صادق من به نماز خیلی اهمیت می داد موقعی که شهید شد من مریض بودم وقتی خبر شهادتش را دادند آنقدر بی قرار شدم که از حال رفتم و فراموش کردم نماز بخوانم. دو روز بعد در عالم خواب، دیدم درب خانه به صدا در آمد رفتم و در را باز کردم، دیدم دو جوان پشت در هستند؛ یکی دیده می شد و دیگری فقط پاهایش را می دیدم.

جوان جلویی پسر همسایه مان بود، که او هم شهید شد به او گفتم: دوست که آنجا ایستاده کیست گفت: «صادق پسر شماست» گفتم: چرا جلو نمی آید؟!

گفت: «صادق می گوید شما دو روز است نماز نخوانده ای برای همین ناراحت است و نمی خواهد با شما روبرو شود.»

مادر شهید ادامه داد: درست است که پسر من به نماز خیلی اهمیت می داد؛ اما در خواب هم احترام مرا داشت و خودش مستقیم به من نگفت که چرا نماز نمی خوانی. همان موقع از خواب پریدم و نمازم را خواندم، روزی که پسر من را برای تشییع جنازه به حیاط خانه مان آوردند، هم زمان با ورود شهید به حیاط خانه، یک کبوتر شبیه کبوتر های حرم به حیاط ما آمد.

توی حیاط ما بود و با ما زندگی می کرد کبوتر چهل روز در حیاط خانه ما ماند عصر چهلم صادق بود که موقع اذان مغرب پرند پرواز کرد و رفت...

چیکار کنیم که خدا عاشقمون بشه؟!

۱. پاک کردن قلب از دنیا و وابستگی هاش

۲. صبر در برابر مشکلات، تاملایمات و مصیبت ها

۳. پیروی از پیامبر (صلی الله علیه و آله)،

۴. جهاد و مبارزه در راه خدا

۵. توبه و پشیمانی از گناهان و روی آوردن به خداوند

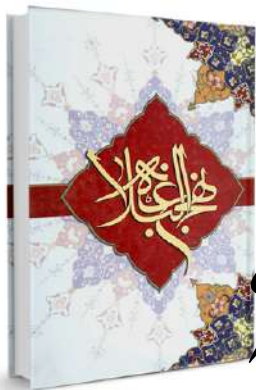
۶. انفاق و بخشش

۷. ایمان و عمل صالح

۸. احسان و نیکوکاری

۹. طهارت و پاکی

معمد علی رضایی فرد



حکمت های از نهج البلاغه

نهج البلاغه، بی تردید پس از قرآن کریم گرانبهادرترین و ارزشمندترین میراث فرهنگی اسلام است. این کتاب مجموعه ای است به ابعاد وجودی یک انسان کامل، زیرا نازلات و صادرات وجودی است که والاترین وجود پس از پیامبر اکرم (ص) است.

نهج البلاغه، شفای دردهای روحی بشر وراز هدایت اجتماعی و سیاسی است. این کتاب، منشور انسان سازی، و دریچه ای به نور، و راهی از ملک تا ملکوت است. نهج البلاغه، مکتوب مبارزه با بیدادگری و زر اندوزی و بت پروری است؛ و راه برپایی حدود الهی و افق ارزشهای آرمانی است.

نهج البلاغه، صحیفه ساختن فرد و جامعه، و آموزگار کفر ستیزی و فقر ستیزی است؛ و نه تنها راه روشن بلاغت (نهج البلاغه) که راه روشن هدایت است. نهج البلاغه، پرکننده خلأهای عمیق فکری، اجتماعی و سیاسی، و پاسخگوی مسائل و مشکلات گوناگون مسلمانان و جوامع بشری در همه زمانها و در تمام مکانهاست.

نهج البلاغه، دریای معرفت بی انتها و نور هدایت بدون خاموشی است؛ و دستورالعملی برای سیادت این جهانی و سعادت آن جهانی است. امام خمینی (ره) در توصیف جایگاه این کتاب شریف فرموده است:

کتاب نهج البلاغه که نازله روح اوست، برای تعلیم و تربیت ما خفتگان در بستر منیت و در حجاب خود و خودخواهی، خود معجونی است برای شفا و مرهمی است برای دردهای فردی و اجتماعی و مجموعه ای است دارای ابعادی به اندازه ابعاد یک انسان و یک جامعه انسانی از زمان صدور آن تا هر چه تاریخ به پیش رود و هر چه جامعه ها به وجود آید و ملتها متحقق شوند و هر قدر متفکران و فیلسوفان و محققان بیابند و در آن غور کنند و غرق شوند.

اکنون به بیان و شرح حکمت هایی از نهج البلاغه میپردازیم:

۱- مَنْ تَرَكَ الْقَصْدَ جَارَ

ترجمه: هرکسی که میانه رو نباشد، منحرف می شود.

«میانه روی یعنی رعایت کردن تعادل و حد وسط در هر کاری؛ (نه کمتر نه بیشتر از اندازه مورد نیاز) و برای پیدا کردن حد تعادل هر چیز باید هم از عقل و هم دستورات دینی کمک گرفت و اگر کار را در حد تعادل انجام ندهیم نمی توانیم بنده خدا باشیم و از اطاعت درست فرمان او منحرف و دور خواهیم شد.»

۲. سَلَ عَنِ الْجَارِ قَبْلَ الدَّارِ

ترجمه: قبل از خرید خانه از وضعیت همسایه سؤال کن

«حضرت علی (ع) فرمودند: پیامبر آنقدر در مورد (حقیقت) همسایه سفارش کردند که من تصور کردم همسایه نیز مانند خویشاوندان ارث می برد و این جمله بر اهمیت ارتباط داشتن با همسایه در جهت تربیت روحی و معنوی انسانی دلالت دارد چرا که دین اسلام تمام قوانینش برای رشد و کمال و تربیت انسان است. پس حال که قرار است با همسایه برای تربیت روحی و معنوی خود در ارتباط باشیم، لازم است که قبل از خرید خانه از وضعیت همسایگان آگاه باشیم که اگر سبب ایجاد مانع، نا آرامی و با توقف در رشد روحی و معنوی ما باشند. از خرید چنین خانه ای خودداری کنیم.»

۳. الْهَوَى شَرِّكَ الْعَمَى

ترجمه: هواپرستی، همچون کوری است.

«کسی که به جای پرستش خداوند و اطاعت از فرمان های او، دنباله رو هوای نفس خود و فرمان های شیطان باشد، مانند کسی است که نابینا است و راه راست و حق را نمی بیند ناچار در تاریکی و ضلالت و گمراهی گام برمی دارد. و سرانجامی جز هلاکت ندارد.»

۴. أَوْصِيكَ بِعِمَارَةِ قَلْبِكَ بِذِكْرِهِ

ترجمه: فرزندم تو را سفارش می کنم که دلت را با یاد خدا زنده کنی

«خدا خلقت روح انسان را به گونه ای بنا فرموده است که با یاد و توجه به خدا و دستورات او دارای حیات و زندگی معنوی خواهد بود. پس بر ما لازم است با خواندن نماز و قرائت قرآن و مناجات با خدا و پیروی از فرامین او، شادابی و حیات را برای قلب و روح از خود ایجاد نماییم.»

۵. فَلْيَكُنْ طَلَبُكَ ذَلِكَ يَتَقَهُمْ وَتَعَلَّمْ

ترجمه: درخواست ها و سؤالات برای فهم بیشتر و برای یادگیری آن باشد.

«از ما خواسته اند که هیچگاه برای تمسخر کردن و یا تحقیر کردن کسی از او سؤال نکنیم بلکه باید سؤالتان برای درک مطلب و افزایش معلومات و یادگیری بهتر و افزایش معلومات باشد.»

۶. لَا تَظْلِمَنَّ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ

ترجمه: به دیگران ظلم نکن آنچنان که دوست نداری به تو ظلم شود.

«این از کمالات انسان است که آنچه برای خود می خواهد برای دیگران هم بخواهد و آنچه برای خود نمی پسندد برای دیگران هم نپسندد. همان طور که دوست ندارد به او ظلم شود خودش هم به دیگران ظلم نکند.»

۷. أَحْسِنَ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ

ترجمه: نیکوکار باش آنگونه که دوست داری به تو نیکی کنند

«انسان فطرتاً مایل است که از دیگران نیکی و محبت ببیند؛ و برای آنکه این طبیعت فطری او رشد پیدا کند به او دستور داده اند به دیگران نیکی و محبت کند، تا هم نیکی و محبت کردن در درون و فطرت او شکوفا و فراگیر شود و هم سبب برآورده شدن این نیاز روحی در دیگران گردد.»

۸. أَنَّ الْأَعْجَابَ ضِدُّ الصَّوَابِ وَآفَةُ الْأَلْبَابِ

ترجمه: بدان خود بزرگ بینی، مخالف راستی و آفت عقل است.

«تکبر و غرور از بیماریهای بسیار خطرناک در روح انسان است. این بیماری صعب العلاج و کشنده روحی سبب هلاکت انسان می شود، طوری که دوست دارد تنها خواسته ها، منافع و سلیقه و فکر او حاکم باشد و همه باید مطابق با خواسته او عمل کنند حتی اگر نظر او اشتباه باشد. البته این رفتار ناشایست، موجب سقوط انسان در پرتگاه جهنم می شود.»

۹. لَمْ يُشَدِّدْ عَلَيْكَ فِي قَبُولِ الْإِنَانَةِ

ترجمه: خدا در قبول توبه، برای تو شرایط سختی قرار نداده است.

«از آنجایی که خدا بازگشت به سوی خود را بسیار می پسندد، به کسی که با جدیت و عزمی راسخ، تصمیم بازگشت به سوی او را گرفته است لطف و محبت دارد و با گذشت و مهربانی با او رفتار خواهد کرد. والا اگر با شدت و سختگیری با افراد رو به رو میشد کسی جرأت بازگشت به سوی او را پیدا نمی کرد.»

۱۰. فَلَا يَقْنَطَنَّكَ إِطْءُ إِجَابَتِهِ

ترجمه: هرگز از تأخیر اجابت دعا نا امید نشو

«خداوند در قرآن فرموده: «أَدْعُونِي أَجْتَبْ لَكُمْ» یعنی: «از من درخواست کنید تا شما را اجابت کنم» حال اگر از او درخواستی کردیم ولی حاجتمان برآورده نشد دلیل این نیست که از کمک و دستگیری خدا در برآورده شدن حاجتمان ناامید شویم حتما مصلحتی در کار است. امام علی (ع) فرمودند: هرگز در تأخیر دعا ناامید نشوید.»

۱۱. اعْلَمْ يَا بُنَيَّ أَنَّكَ إِنَّمَا خُلِقْتَ لِلْآخِرَةِ لَا لِلدُّنْيَا

ترجمه: پسر عزیزم بدان تو برای آخرت آفریده شده ای نه برای دنیا

«خدا خواسته است که ما به طور جاودان و همیشگی در بهشت با نعمتهای فراوان و بشمار او زندگی کنیم اما قبل از ورود به چنین مکانی باید آداب و روحیات یک زندگی بهشتی را یاد بگیریم و لذا خداوند ما را در دنیا قرار داد تا به وسیله پیامبران و امامان علیهم السلام تربیت شویم و راه و روش زندگی پاک و پرمعنویت بهشتی را بیاموزیم، بنابراین زندگی دنیا موقت و تمام شدنی است و ما برای این زندگی کوتاه و موقت خلق نشده ایم.»

۱۲. أَنَّ مَهَبْطَكَ بِهَا لَا مَحَالَةَ إِنَّمَا عَلَى جَنَّةٍ أَوْ عَلَى نَارٍ

ترجمه: سرانجام حرکت تو، بهشت یا دوزخ خواهد بود.

«خداوند بندگانش را دوست دارد. برای اینکه گرفتار آتش دوزخ و جهنم نشوند. پیامبران و امامان را فرستاده تا مردم را هدایت کنند. آنان که استفاده کنند و از سخنان پیامبران و امامان اطاعت نمایند، یقیناً وارد بهشت خواهند شد و اما کسانی که نافرمانی کنند، بدون شک وارد جهنم خواهند شد و جای سومی وجود ندارد.»

کمیل سعیدی

تجربیات معلمی

(مصاحبه با معلم با تجربه،
 قاسم سجادی دبیر ادبیات)

سلام و عرض ادب خدمت شما، خیلی ممنونم که وقت گرانبهاتون رو در اختیار ما گذاشتید.

ابتدا، خودتون رو برای دانشجو معلمان ما معرفی کنید؟

-به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد،

سلام خدمت همه ی دانشجو معلمان عزیز و آقای ریحانی(مصاحبه گر) بنده قاسم سجادی هستم، دبیر ادبیات مقطع متوسطه یک، با ۲۷ سال خدمت در خدمت شما هستم.

درباره ی شغل معلمی صحبت کنید؟

-قبل از معلم شدن در زمان دانش آموزی، آرزوم این بود که معلم بشم از این جهت که فضای مدرسه و دانش آموز بسیار پاک و سالم است، در این فضا هرگز خسته نخواهید شد بعد از ۲۷ سال هنوزم از این فضا لذت میبرم و هیچ شغلی به این اندازه خوب نیست، چون شما با دانش آموزان پاک و معصوم سرو کار دارید و به آنها علم یاد میدین و این که درباره شغل معلمی زیاد میشنویم که از جهت مالی شغل خوبی نیست؛ اما اگر انسان قانع باشد و شکر گذار باین مسئله ی مالی کنار خواهد آمد چیزی که بسیار مهم است این می باشد که شما قدر شغل خود را بدانید و برای آن ارزش قائل شوید و این که شغل معلمی، در جایگاه جامعه شغل بارزشی است.

داستانی درباره ی اتفاقات جالب کلاس صحبت کنید؟

_۸ سال پیش در مدرسه ی شهید فهمیده ی آشنانه، معلم بودم آن زمان دانش آموزان بسیار بی ادب و با سطح فرهنگ پایینی بودن که احترام معلمو و دبیران را نگه نمی داشتند؛ و حتی برخورد مناسب با پدر و مادر خود هم نداشتند، در این بین نام یک دانش آموز بسیار در بین معلمو پیچیده بود که دانش آموز بسیار بی ادبی است و معلمو همه از دستش خسته شده بودند، روزی از روز ها به صورت خیلی اتفاقی دستی به سر آن دانش آموز کشیدم و شکلاتی نیز در جیب بنده وجود داشت که به او دادم باور کنید باهمین اتفاق ساده دانش آموز زیرو رو شد و تا آخر سال حداقل به بنده احترام میگذاشت و تا آخر سال باهمین اتفاق، من در قلب این دانش آموز بودم و میخواهم بگویم که گاهی با یک محبت ساده، خار ها گل می شود.

لطفا از شیوه ی تدریستون در کلاس برامون بگین؟

_باوجود این که نظام آموزشی، ما را وادار میکند دانش آموز را حتی از متوسطه ی ۱ آماده ی کنکور کنیم؛ اما من تلاش میکنم به دانش آموز درس زندگی بدهم و ادبیات را طوری به او آموزش دهم که در زندگی اش کاربردی باشد؛ و موضوع دیگری که میخواهم برایتان بگویم این است که بنده الان در کلاسی سی نفره دبیرم به جرئت میتوانم بگویم با ۳۰ دانش آموز که هر کدام یک خصوصیات اخلاقی را دارند سرو کله میزنم، بنده با یک بار صحبت با دانش آموز متوجه می شوم که چگونه دانش آموزی است، گاهی بعضی از بچه ها احساسی اند، بعضی جسور، بعضی درس خوان و من تلاش میکنم تا با همه ی آنها ارتباط بگیرم و از شما دانشجو معلمان هم همینو میخواوم که زمانی که معلم شدین انعطاف خودتان را بیشتر کنید؛ کار دیگری که حین تدریس انجام میدهم، یکسری لطیفه ها و حکایت هایی را برای دانش آموزان استفاده میکنم تا کلاس از خشکی بیرون بیاد ولی اینو آنقدر ادامه نمیدم که بی نظمی ایجاد شود و مدیریت



کلاس از دستم خارج شود، حتی بعد از بیست و هفت سال خدمتم بازهم میدانم که ضعف هایی دارم و هرگز خودم را کامل نمیدانم و هنوزم دوست دارم بیشتر یاد بگیرم.

چند نصیحت برای دانشجو معلمان بفرمایین؟

_شما جوونا ماشاالله از ما بروز ترین؛ اما به عنوان یک برادر بزرگتر پیشنهاد میکنم قانع باشید و در هرکاری سعی کنید سالم باشین، منظور از سالم بودن این که سعی کنید به دنبال روزی حلال باشید و ضررتون به هیچ کس نرسد و صحبت دیگرم بادانشجو معلمان عزیز این است که زمانی که معلم شدین و کلاسی به شما واگذار شد، از ته دل وقت بگذارید و وقت را هدر ندهید چون مدتی است که سرگروه ادبیاتم، متأسفانه بعضی از همکارا وقت کلاسو هدر میکنند و کار نمیکنن، توصیه ام این است که شما چه بخواهید و چه نخواهید دو ساعت باید در کلاس باشید چه بهتر که کار کنید و این که اگر با دانش آموزای بی انضباط روبه رو شدین باآنها درگیر نشوید و سعی کنید که آنها را به درس مشغول کنید طوری که وقت اذیت و آزار دیگران را نداشته باشند.

محمد ریحانی

رویش امید

همه ی مردم دوست دارند افرادی موفق باشند؛ اما نمی دانند موفقیت چگونه ممکن است؟ موفقیت نتیجه نهایی خاطره های یک فرد موفق است، خاطره هایی که از دل تلاش های بی حد و مرز افراد موفق بلند شده اند؛ موفق ها زمین خورده اند، شکسته اند و گاهی خورد شده اند اما هیچوقت جا نزده اند؛ ممکن است گاهی از فرط خستگی توقف کرده باشند، اما بعد از آن دویده اند تا تمام این نشستن ها جبران شده باشد و همه ی آن ها این مسئله را درک کرده اند؛ که هیچوقت دیر نیست یا به عبارتی هر وقت ماهی را از آب بگیری تازه است آن چه گفته شد، نتیجه ی زندگی یک نفر نیست بلکه همه ی افراد موفق دارای این ویژگی ها بوده اند.

خیلی از این افراد در شرایطی سخت و غیر عادی توانسته اند روشنایی اندک در تاریکی بیابند و پس از یافتن مسیر به سرچشمه ی نور موفقیت متصل شوند.

نیک وی آچیچ

برای یک لحظه چشمانتان را ببندید و فکر کنید هیچ دستی ندارید. نمی توانید چیزی را با انگشتانتان لمس کنید یا با دوستانتان دست دوستی بدهید و یا حتی مادرتان را در آغوش بگیرید. حال تصور کنید هیچ پایی برای راه رفتن ندارید. نمی توانید با دوستانتان پیاده روی کنید، دوچرخه سواری کنید یا پا به پای فرزندان بدوید. هر کدام از این شرایط بسیار دشوارند؛ اما همیشه شرایط بدتری هم وجود دارد، فقط کافی است یک لحظه به این فکر کنید که نه دست دارید و نه پا! حتی فکر کردن به این موضوع تن آدم را به لرزه می اندازد. نیک وی آچیچ (Nick Vujicic) از معدود افرادی است که به دلیل سندروم تترآ آملیا، بدون دست و پا به دنیا آمد و در زندگی، محدودیت های زیادی داشته است، اما توانسته با این محدودیت ها کنار بیاید و حتی از بسیاری افراد سالم نیز موفق تر باشد.

نیک، در سال ۱۹۸۲ در استرالیا به دنیا آمد. در آن زمان به دلیل نبود امکانات تصویربرداری از جنین هیچ کس از وضعیت نیک خبر نداشت. می توانید شوک بزرگی که پدر و مادر نیک در هنگام تولد او داشته اند را تصور کنید؛ اما کسی حتی نمی توانست تصور کند که این کودک زیبایی معلول با این همه ناتوانی روزی به یکی از موفق ترین افراد

جهان تبدیل شود و بتواند به جایی برسد که به افراد سالم درس امید و روش زندگی آموزش دهد. او از اولین افرادی بود که پس از حذف قانون ممنوعیت ورود افراد معلول حرکتی به مدارس معمولی، مانند دیگر کودکان سالم به ادامه تحصیل پرداخت. اما در سن ۸ سالگی به دلیل تمسخرهای شدید، همکلاسی هایش دچار افسردگی شد و اقدام به خودکشی کرد. این هیجان احساسی باعث شد تا تصمیم بگیرد، خود را در آب غرق کند؛ اما خودش می گوید به دلیل علاقه به پدر و مادرش از این کار منصرف شده است.

نیک با کمک و همراهی مادرش و تلاش های زیاد خودش یاد گرفت با دو انگشتی که در انتهای اندامی مانند پا در سمت چپ پائین تنه اش وجود داشت، بنویسد و کارهای روزانه دیگری مثل نوشیدن آب با لیوان، تایپ، پرتاب توپ بیس بال و ... را فرا گرفت. در دوران دبیرستان رهبر گروه شد و برای موسسه خیریه پول جمع می کرد، سپس در سن ۱۷ سالگی موسسه خود به نام «زندگی بدون دست و پا» جهت امید بخشیدن به افراد دارای ناراحتی روحی و افسرده افتتاح کرد. نیک وی آچیچ، در ۲۱ سالگی از دانشگاه گریفیت، دومدرک لیسانس در رشته های حسابداری و برنامه ریزی مالی اخذ کرد. در زندگینامه نیک وی آچیچ می خوانیم که او با پیشرفت فعالیت هایش تبدیل به یک سخنران موفق شد که برای میلیون ها نفر جذابیت داشت و آن ها را به امید داشتن به زندگی تشویق می کرد.

اکنون نیک وی آچیچ سخنران انگیزشی و مدیر سازمان غیرانتفاعی «زندگی بی حد و مرز است» و در جنوب کالیفرنیا زندگی می کند.

او مهارت های دیگری چون شنا کردن، موج سواری و بازی گلف را فرا گرفت. نیک، کتاب «زندگی بی حد و مرز» را در خصوص شرح زندگی خود به چاپ رسانده است. او درباره خودش می نویسد: «من بدون دست و پا به دنیا آمدم. اما هرگز در حصار شرایط خود نماندم. من به سراسر دنیا سفر می کنم و به میلیون ها نفر الهام می بخشم تا با ایمان، امید، عشق و شجاعت خویش بر ناملایمات زندگی چیره شوند و به آرزوهای خود برسند.»

محدودیت های نیک وی آچیچ، خیلی بیشتر از محدودیت های امروزی ماست اما اراده ی فولادین او، او را قادر به انجام کارهایی کرد که ما نتوانستیم انجام دهیم و او تبدیل به یک فرد موفق شد چیزی که ما در آرزوی آن هستیم. کافی است کمی به خود بیاییم تلاش کنیم و بجنگیم تا موفق شویم. به امید روزهای خوب و پر تلاش برای شما دوستان عزیز

الیاس رسولخانی



مهارت های زندگی

مهارت خود آگاه

همه ما در زندگیمون با سوالاتی مواجه هستیم، سوالاتی که اگر به درستی به اونا پاسخ داده بشه میتونه زمینه ساز دستیابیمون به زندگی خوب و آرامش بخش بشه و مارو به یه انسان موفق تبدیل کنه سوالاتی از قبیل «چطور زندگی خوب و موفق داشته باشیم؟» چگونه از فرصت هایی که داریم استفاده کنیم؟! چطور خودمون رو بشناسیم؟! چطور احساساتمون رو کنترل کنیم و تصمیمات منطقی بگیریم؟! و...»

پاسخ همه این سوالها در سلسله مباحثی به نام «مهارت های زندگی» نهفته. بنابراین تصمیم گرفتیم این مهارت ها رو که به یازده مهارت تقسیم میشن به صورت خلاصه و مفید براتون شرح بدم، امیدوارم که از خوندن این متون لذت ببرید.

مهارت اول: مهارت خود آگاهی

_در ابتدا باید با معنا و چیستی خود آگاهی آشنا بشیم بدونیم که خود آگاهی یعنی چی؟! خود آگاهی یعنی توانایی شناخت و آگاهی از افکار، باور ها، ارزش ها، «اهداف»، نقاط ضعف و قوت و حتی شناخت خصوصیات ظاهری خود. به زبان ساده یعنی: «خودمون و ویژگی ها و خواسته هامون رو به خوبی بشناسیم.»

چرا مهارت خود آگاهی رویاد بگیریم؟!

وقتی از ظرفیت ها و توانایی های خودمون آگاه نباشیم، انتظارت و اهداف کاذبی از خود خواهیم داشت، گاه این انتظارت فراتر از توانایی های ماست که هرگز در برآورده کردن آن موفق نخواهیم شد و باعث ایجاد مشکلاتی از جمله عدم اعتماد بنفس، عدم رضایت درونی، اضطراب، خشم، ناکامی و... میشه و بالعکس گاهی توانایی های ما بسیار فراتر از اهداف و انتظارتمون هست که باعث میشه فرصت موفقیت بیشتر رو از دست بدیم و به اون چیزی که لایقش هستیم دست پیدا نکنیم.

برای درک اهمیت خود آگاهی، مثالی براتون میزنم: فرض کنید فردی بدون در نظر گرفتن امکانات و شرایط فیزیکی(فرض کنید قدش بین ۱۶۵_۱۷۰ باشد) و حتی استعدادش آینده خود را در رشته بسکتبال ببیند و خود را به بازیکنان حرفه ای بسکتبال در حد لیگ NBA مقایسه کند، مسلم است هرگز به آن دست نخواهد یافت و پس از شکست در اهداف و آینده پوشالی که برای خود ترسیم کرده از نظر روحی دچار مشکل خواهد شد....

«بنابر این ضرورت خود آگاهی اینه که خودمون رو بخوبی بشناسیم و اینکه انتظارات و اهداف و حتی رفتارمون رو بر اساس اون شکل بدیم و از شکست و ناکامی هایی که ممکنه در آینده داشته باشیم جلوگیری کنیم.»

مهم ترین عناصر بنیادی برای کسب خود آگاهی چیست؟

مهم ترین عناصر بنیادی یا به عبارتی مؤلفه های دستیابی به مهارت خود آگاهی رو به چندین قسمت تقسیم می کنند که به پنج مورد مهم آن اشاره میکنم:

۱_ آگاهی از ویژگی های جسمانی

یعنی یک نگاه واقع بینانه ای از بدن خود داشته باشیم، مثلا میتوانیم جلوی آینه، تمام قد بایستیم و ویژگی های مثبت و منفی خودمون را ارزیابی کرده و بپذیریم، اگر ویژگی های منفیمون قابل درمان یا بهبود بود برای درمان و بهبودش تلاش کنیم و اگر نبود باهاش کنار بیایم.

برای مثال کسی که از اضافه وزنش رنج می بره، می تونه با ورزش و تغذیه مناسب از شر اضافه وزنش خلاص بشه.

۲_ آگاهی از نقاط قوت خود

همه ما بلا استثنا نقاط قوتی داریم و شاید شما، بسیاری از اونا رو در خودتون سراغ داشته باشید و در عین حال از خیلی هاش غافل باشید.

شاید براتون سوال بشه که نقاط قوت دقیقاً شامل چه چیز هایی میشه، نقاط قوت عبارتند از: خصوصیات و ویژگی های مثبت، استعداد ها و توانایی ها مهارت ها و توانمندی ها، پیشرفت ها و موفقیت ها

میدونید فایده شناسایی این نقاط چیه؟

شناسایی نقاط قوت باعث افزایش اعتماد به نفس، خودباوری و شکوفایی استعدادهامون میشه بنابراین سعی کنید حتماً نقاط قوت خودتون رو دقیق و کامل بشناسید

۳_ آگاهی از نقاط ضعف خود

برای شناخت بیشتر خود علاوه بر آگاهی از نقاط قوت، آگاهی از نقاط ضعفمون هم بسیار اهمیت داره.

گروهی نقاط ضعفشون رو انکار میکنن چون توانایی روبرو شدن با اونا رو ندارن و گروهی دیگه نقاط ضعفشون رو اونقدر بزرگ میکنن که خودشون رو ضعیف و سرشار از نقاط منفی میدونن، هر دو گروه در شناخت و آگاهی از خود ناتوانند و با این رویه هرگز به شناخت از خود نمی رسند.

«عزیزان واقعیت اینه که توانایی ما انسان ها محدوده و همه ما ممکنه نقاط ضعفی داشته باشیم، بنابر این باید اونا رو بپذیریم و برای رفع آن تلاش کنیم.»

۴_ آگاهی از افکار خود

سرمنشأ رفتار و احساسات ما افکارمونه، بله افکار ما شکل دهنده احساس و رفتار ماست ما براساس آنچه که فکر میکنیم، دست به عمل میزنیم.

مثال: تصور کنید که فردی در گفتگوی درونیش یکسره این افکار

منفی رو تکرار میکنه:

«من نمی تونم»؛ «چیزی عوض نمیشه»؛ «بازم میبازم» و... مسلماً این افکار بر احساسات و رفتار این فرد تاثیر میذاره و باعث میشه که در دستیابی به اهدافش شکست بخوره.

چاره چیه؟!

شما باید این افکارتون رو بشناسید و اجازه ندید این افکار کنترل احساسات و رفتار شما رو در دست بگیره، وقتی شما این افکار رو بشناسید میتونید با جایگزین کردن افکار منطقی و واقع بینانه کنترل احساسات و رفتارتون رو در دست بگیرید.

۵_ آگاهی از اهداف خود

همه در زندگیمون اهدافی رو دنبال میکنیم، این اهداف به سه قسمت کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت تقسیم میشن، آگاهی از این اهداف برای دستیابی به خود آگاهی ضروریه

چطور میتونیم تصمیم عاقلانه و هوشمندانه ای بگیریم درحالی که نمیدونیم دقیقاً چی میخوایم ؟!

با خود آگاهی و رسیدن به شناخت صحیح از توانایی ها، استعداد ها و... ممکنه از بسیاری از اهدافتون دست بکشید چرا که بسیاری از اونا غیر واقعی و ایده آل و بدور از واقعیت هستن.

عوامل دستیابی به خود آگاهی

۱_ پذیرش خود
یعنی خودمون رو با تمام ویژگی های مثبت و منفی که داریم بپذیریم و دوست داشته باشیم.

۲_ دیگران را همانگونه که هستند بپذیریم و دوست داشته بشیم

یادمون باشه تو دنیا هیچ دو نفری کاملاً شبیه هم نیستند بنابر این باید تفاوت ها رو بپذیریم و با هاشون کنار بیایم.پذیرفتن این موضوع کمک شایانی در خود آگاهی و شناخت ما از خودمون داره.

۳_ مسئولیت پذیری در قبال خود و دیگران

کسایی که از خود آگاهی بالایی برخوردارند از زیر بار مسئولیت ها شانه خالی نمیکند و این مسئولیت هارو فرصتی جهت رشد و شکوفایی خودشون میدونن

۴_ داشتن صداقت و شجاعت در روبرو شدن با حقیقت و واقعیت وجودیمان

موانع دستیابی به خود آگاهی

گاهی اوقات موانعی باعث میشه که به خود آگاهی دست پیدا نکنیم که این موانع عبارتند از:

۱_ غرور و خودبزرگ بینی

۲_ توقعات و انتظارات بیش از حد از خود(کمال گرایی)

۳_ عدم آگاهی از خود درونی و شخصیت

امیدوارم که بعد از خوندن این متن، ارزش و اهمیت خود آگاهی رو درک کرده و در جهت دستیابی به اون تلاش کنید

ادامه دارد....

محمد مهدی کوه نشین

چگونه چشم خود را کنترل کنیم؟

۱_ شناسایی یک روزنه و راه در رو احتمالی

۲_ ببخشید یا فراهوش کنید

۳_ تقویت مهارت گوش دادن

۴_ آرام بودن را تمرین کنید

۵_ نفس عمیق از قفسه سینه

۶_ استفاده از کلماتی همچون آسان بگیر، راحت باش و من در کنترل آرامش

هستم می توانند به آرام شدن شعا کمک کنند.

۷_ استفاده از تصاویری که با تجسم آنها آرامش جذب بدنتان شود.

۸_ بشمارید (مثلا تا ده یا بیشتر)

۹_ نفس عمیق بکشید

۱۰_ قدم بزنید و ورزش کنید

۱۱_ ماهیچه هایتان را در حالت آرامش قرار دهید

الیاس رسولخانی

حکایت بازرگانان طماع

بازرگانی را دیدم که صد و پنجاه شتر، چهل نفر چاکر و خدمتکار داشت. شبی در جزیره کیش، مرا به اتاق خود برد. کل شب را چشم بر هم نگذاشت برای گفتن صحبت های صدمن ی غاز مانند: فلان شریکم در ترکستان است و فلان کالا در هندوستان و این سند فلان زمین است و فلان زمین را برای فلان کس ضامن گذاشته ام.

گاهی می گفت: در سر هوای آن را دارم به اسکندریه بروم زیرا که هوای آنجا خوب و مطابق میل است.

بار دیگر می گفت: نه، دریای مغرب بیشتر اوقات طوفانی است. ای سعدی، سفر دیگری قرار است بروم، اگر این سفر را بروم باقی عمر خود را به گوشه نشینی بسنده می کنم. گفتم: کدام سفر می خواهی بروی؟ گفت: گوگرد پارسی را به چین می بریم زیرا که شنیدم در آنجا قیمت زیادی دارد. از آنجا کاسه چینی به روم می آوریم و پارچه های ابریشمی از روم به هند و از هند فولاد هندی به شهر حلب و آیینه حلبی به یمن و پارچه کتانی به پارس و بعد از آن تجارت را ترک می کنم و در دکان می نشینم. مرد، عدالت را در سخن گفتن به جا آورد و به سعدی گفت: ای سعدی، توهم سخنی بگواز آنجا که دیده ای و آن چیز هایی که شنیده ای. گفتم:

آن شنیدستی که روزی تاجری
در بیابانی بیفتاد از ستور
گفت: چشم تنگ دنیا دار را
یا قناعت پر کند یا خاک گور

برگرفته از کتاب گلستان سعدی
رضادلیرانی

دمی با نظامی گنجوی

به هر حال حدود ۳۰ سال از عمر شاعر گنجه در نظم داستان هایش سپری گشته است و اغلب، روزگار شاعر با همین قصه ها و غالباً به دور از مردم و به دور از انزوا سپری گشته است. نظامی در تمام مراحل خود مبتکر سبک است و از هیچ کس تقلید نکرده است و در این مورد می گوید: عاریت کس نپذیرفته ام آنچه دلم گفت بگو گفته ام شعبده ای تازه بر انگیزته ام هیكلی از قالب نوریختم

نویسنده: حمیدرضا خلیلی

شافعی مذهب بوده و اگر چه تشیع نظامی ثابت نشده است ولی امیر المومنین علی(ع) را به سبب مقام علم و فضل او بر دیگران مقدم می داشته است.

حکیم نظامی، از حیث پاکی اخلاقی و تقوای بیان در گروه بهترین شاعران و سخن سرایان پارسی گوی قرار دارد. در آثار این شاعر، از آغاز تا پایان یک لفظ رکیک و زشت که در شأن شعر و شاعری نباشد، مشاهده نمی شود. این شاعر به خاطر عظمت داستان سرایی خویش به داستان سرای گنجه معروف گشته است. اثر معروف و شاهکار نظامی خمسه یا پنج گنج است، خمسه یا پنج گنج نظامی شامل پنج مثنوی است: مخزن الاسرار، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، هفت پیکر و اسکندر نامه است.



از جمله هنر های بشر تجلی آرمان های او در قالب الفاظ نظم می باشد. این هنر دیر پا و کهن از عهده ی هر فرد و شخصی بر آورده نیست بلکه موهبتی است الهی که افراد معدودی از آن بر خور دارند. حکیم نظامی گنجوی نیز از این افراد است که نه تنها در بیان احساسات ظریف شاعرانه مهارتی خاص دارد بلکه در هنر داستان سرایی نیز یگانه روزگار بوده است.

حکیم جمال الدین ابو محمد الیاس بن یوسف بن زکی بن موید نظامی گنجه ای، شاعر قرن ششم بود. پدر او یوسف و مادرش رعیه نام داشت. برخی او را از نواحی قم و تفرش می دانند؛ اما طبق اسناد موجود او در شهر گنجه واقع در جمهوری آذربایجان کنونی به دنیا آمده و تا آخر عمرش نیز در همان شهر ماند. تاریخ تولد او را قبل از سال ۵۳۰ می گویند، اما در زمینه تاریخ فوت نظامی اختلاف نظر وجود دارد ولی برخی تذکره نویسان، با اشاراتی که در ابیات مثنوی های نظامی بوده، تا حدودی توانسته اند به آن سال ها پی ببرند و آنها به اختلاف سال های ۶۰۲ تا ۶۱۹ را ذکر نموده اند، نظامی در گنجه در گذشت و مدفن وی تا اواسط عهد قاجار باقی بود. بعد از آن رو به ویرانی نهاد تا اینکه به وسیله دولت محلی آذربایجان «شوروی سابق» مرمت شد.

از لحاظ اعتقادات دینی، گمان می رود

قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب

حریفی که از وی نیاززد کس
بسی آزمودم، کتاب است و بس

رساند سخن را به خوبی به بن
به بسم‌الله آغاز سازد سخن

نگیرد به کس سبقت از هیچ باب
از او تا نپرسی نگوید جواب

وقتی به جامعه نگاه میکنم، اکثر مردم از وضع خود ناراضی اند و مینالند اما کاری نمی کنند چون در انتظار معجزه هستند؛ معجزه ای که اتفاق بیفتد و همه چیز را درست کند، معجزه ای که ما را به زندگی شاهانه برساند، زندگی که در آن هر چه دلمان خواست بخوریم هر چه که دوست داریم بپوشیم و هر جا که دلمان خواست برویم و در واقع بی نیاز از هر چیز باشیم

معجزه ای که درد و غم هایمان را کم کند و ما را به سوی زندگی شادتر روانه سازد

آیا چنین معجزه ای وجود دارد؟! یعنی ما به آرزویمان خواهیم رسید؟ قطعاً معجزه وجود دارد؛ اما انتظار خالی، کاری از پیش نمی برد و هیچ وقت با دست روی دست گذاشتن کاری درست نمی شود؛ باید تلاش کرد و برای رسیدن به این آرمان ها آگاهی یافت، آگاهی که صرفاً ناشی از علم است و علم هم جدا از کتاب خوانی نیست

ما به عنوان یک معلم به فرزندان این مرز و بوم مدیونیم، باید به اندازه علم کسب کنیم و کتاب بخوانیم تا بتوانیم آن طور که شایسته ی این فرزندان است و آن طور که شایسته ی معلمی است تدریس کنیم

کتابخوانی، امری شایسته است که اگر فراگیر شود جامعه روشن میشود و روز به روز به روزهای خوب و عالی نزدیک تر میشود

ما به عنوان یک معلم موظفیم کتاب بخوانیم و به دانش آموزان خود خواندن کتابهای خوب را سفارش کنیم، کتابهای خوبی از جنس: «قصه های خوب برای بچه های خوب»

کتاب «قصه های خوب برای بچه های خوب» نوشته ی مهدی آذری یزدی است؛ نویسنده ای که وقت بسیاری برای نوشتن این کتاب گذاشته و این ناشی از اهمیت بسیار مسئله ی تربیت کودک و نوجوان است

این کتاب، دارای ۸ جلد است که در هر جلد داستان‌هایی از کتاب های بزرگی همچون قابوس نامه، کلیله و دمنه، مثنوی معنوی و... به زبان ساده آورده شده است

هرچند این کتاب برای رده ی سنی کودک و نوجوان آورده شده؛ اما بزرگتر هایی هم هستند که با ذوق و شوق فراوان این آثار را دنبال میکنند، که قطعاً خواندن این کتاب ها خالی از لطف نیست

هیچ کس نمی تواند یک کتاب را بهتر از خود کتاب معرفی کند، پس در انتها به یکی از داستان های این کتاب می پردازیم

یک روزی بود و یک روزگاری. در یکی از روزهای زمستان، یکی از علمای»

معرفی کتاب

«تفکر تابعی مبتنی بر جریان شناسی تربیت رسمی و غیر رسمی»

سخن‌نویسندگان
«فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ». «بندگانم را بشارت ده، آنانکه چون سخنی بشنوند به نیکوترین وجه عمل کنند، آنان هستند که خداوند به لطف خاص خود هدایتشان فرموده و هم آنان به حقیقت خردمندان عالمند.»

نویسندگان اثر حاضر، حلقه مطالعاتی دانشجویی، دانشگاه فرهنگیان امام محمد باقر (ع) بجنورد را در اسفند ماه ۱۳۹۹، بر پایه مطالعه تاریخی آموزش و پرورش، جریانها و مکاتب تاثیرگذار بر جهت دهی فکری پایه گذاری کردند. این سبک از مطالعه با توجه به نیاز و استقبال جامعه هدف انتخاب شد و اثرات موفقیت آمیزی را از خود برجای گذاشت.

در هدف و تاریخچه این تحقیق، میتوان اینگونه بنا داشت که این کتاب از دل دوران بحرانی، پس از ورود جریانات خشکاننده آزادی فکر در سطح دانشجویان بیرون آمده است. و بنابراین می توان این کتاب را مناسب گروههای مطالعاتی و حلقه های مطالعاتی دانست که برای اخص آنها تدوین گشته است. خصوصاً آنکه با فضای نخبگانی دانشگاه فرهنگیان و دانشجو معلمان نخبه وفق داده شده است. اراده مولفان کتاب حاضر بر آن است که با معرفی

ادبیاتی جدید با عنوان تابع فکری، ذهن تحول گران در حوزه تخصصی آموزش و پرورش را نظاممند، سازند و در راه حل مسائل جدی کالن و خرد در سطوح شخصی و تخصصی به آنان یاری رسانند. تابع فکری که از تابع ذهنی و چندین بخش متفاوت تشکیل شده است، در هر

شخص براساس فرمول های ذهنی منتصب در ذیل هز یک از مسائل، پاسخی به فراخور آن دیدگاه میدهد. ارائه و ساخت تابع ذهنی توسط تربیت رسمی و غیر رسمی در افراد به صورت کامل و یا ناقص، صورت میگیرد. این کتاب بر مبنای آزادی فکر که عالمه مطهری بدان اشاره داشته تدوین گشته و قصد جهت گیری مکتبی خاصی برای افراد ندارد و تنها در تلاش برای معرفی آنها در حد نیاز برای محققین است، تا خود بتوانند با قدرت تفکر و اراده خود به بهترین دست یابند.

امید بر آن است که این تحقیق بتواند پاسخ گوی نیازهای جامعه باشد و ما را به راه صواب رهنمون کند.

علی ابراهیمی و محمد ارغیانی، دانشجومعلم



استعداد بوشهری

مهدی طارمی فوتبالیست ۲۹ ساله بوشهری کشورمان است، که از دیپلم بیشتر درس نخوانده، اما از ۶ سالگی، فوتبال را زیر نظر پدرش شروع کرد.

پدرش علیشاه، از بازیکنان حرفه ای فوتبال بود که مشوق و مربی او نیز بود. طارمی، در سال ۸۱ وارد تیم «جوانان برق بوشهر» شد و سپس در تیم «حیات بوشهر» بازی کرد و در سال ۸۴ به تیم جوانان «باشگاه ایرانجوان بوشهر» پیوست و سال ۸۷ وارد رده بزرگسالان این تیم شد. طارمی در یک بازی بین ایرانجوان و پیکان که علی دایی، سرمربی پرسپولیس، از تلویزیون میدید مورد توجه شهریار، قرار گرفت و سال ۹۳ به پرسپولیس پیوست او در مدت ۳ فصل در پرسپولیس، ۱۱۲ بازی به میدان رفت و ۵۵ گل به ثمر رساند و به عنوان بهترین گلزن تاریخ باشگاه دست یافت.

او از سال ۹۷ تا ۹۸ در تیم الخرافه در ۴۳ بازی ب میدان رفت و ۲۲ گل نیز ب ثمر رساند.

در سال ۹۸ به باشگاه ریوآوه پرتغال پیوست و یک سال درخشانی را در این تیم گذراند و در ۳۷ بازی موفق به زدن ۲۸ گل شد. طارمی باین درخشش کاری کرد ک یکی از پرافتخار ترین باشگاه های پرتغال و حتی جهان به سراغ او آمد. پورتو با طارمی قراردادی ۴ ساله با دستمزد سالیانه ۵۰ هزار یورویی منعقد کرد. یکی از صحنه های ماندگار طارمی در پورتو، گل قیچی برگردان او به چلسی در فصل (۲۰۲۰_۲۰۲۱) بود ک به تازگی جزوده گل برتر اکروباتیک تاریخ لیگ قهرمانان معرفی شده. طارمی، سابقه دوبار آقای گلی در لیگ ایران و یکبار به طور مشترک در پرتغال را دارد. طارمی دوران سربازی خود را در پادگان نیروی دریایی بوشهر و در حال ک ۱۸ سال داشت گذراند دراین مدت هیچ کس سراغی از او نگرفت همه نزدیکان او فکر می کردند که فوتبال مهدی به پایان رسیده و بعد از خدمت باید به فکر شغل دیگری باشد.

هوش مصنوعی

مطرح شد. در این آزمون شرایطی فراهم می شود که شخصی با ماشینی تعامل برقرار کند و پرسش های کافی برای بررسی اقدامات هوشمندانه ماشین، از آن بپرسد. چنانچه در پایان آزمایش نتواند تشخیص دهد که با انسان یا با ماشین در تعامل بوده است، آزمون با موفقیت انجام شده است. تاکنون هیچ ماشینی از این آزمون با موفقیت بیرون نیامده است. کوشش این آزمون برای تشخیص درستی هوشمندی یک سامانه است که سعی در شبیه سازی انسان دارد.

فلسفه هوش مصنوعی به جمع آوری، تحلیل و پردازش اطلاعات برمیگردد و بعد از آن به تصمیم گیری منتج می گردد. تفاوت هوش مصنوعی با هوش طبیعی یا هوش آدمی این است که این هوش به اطلاعات از قبل وارد شده یا کسب شده مراجعه می کند ولی هوش طبیعی بر اساس اطلاعات موجود و تجربیات گذشته تصمیم گیری می کند.

متأسفانه از این فناوری در جهت کارهای غیرقانونی استفاده می شود که این فناوری در جعل چهره و صدا بسیار پیشرفت کرده است و هر روز گام های جدیدی را در جهت جعل هویت برمی دارد به صورتی که کمتر کسی می تواند، جعلی بودن را تشخیص دهد.

حال ما باید در جهت رشد و پیشرفت کشور عزیزمان ایران از این فناوری به صورت کارآمد استفاده کنیم چنانچه که از این فناوری در جهت نظامی تاکنون استفاده شده است.

به کارها و فرآیند های ماشین ها در شرایط متفاوت هوش مصنوعی، گفته می شود که در مقابل هوش طبیعی، قرار دارد. در این هوش، سعی بر آن است که اعمالی مشابه انسان ها انجام دهد. این اعمال طیف وسیعی را شامل می شود. از آهنگسازی تا هوش رباتیک و...

از سری زبان های برنامه نویسی که در هوش مصنوعی کاربرد دارد می توان به Lisp، Prolog، Java، Python و ++C اشاره کرد. در واقع با این زبان های برنامه نویسی است که به دستگاه اطلاعات انتقال داده می شود تا بتواند بر اساس آن اطلاعات کاری را انجام دهد.

یکی از حوزه هایی که در آن هوش مصنوعی گسترش بسیار یافته است، حوزه پزشکی است. در این حوزه پیچیدگی ها مربوط به تصمیم گیری درباره تشخیص و درمان بیماری با کمک هوش مصنوعی حل می شود و می توان بهتر تصمیم گیری کرد.

این را باید توجه داشت که این علم علاوه بر طرفداران، مخالفان بسیاری نیز دارد که استدلال آنان این است که این فناوری، کارایی زیادی ندارد ولی با گذشت چهار دهه از ابداع این تفکرات و این فلسفه ها، بسیاری متقاعد شده اند که این فناوری در امور روزمره انسان بسیار کار آمد است.

آزمون تورینگ، آزمونی است که توسط آلن تورینگ، در سال ۱۹۵۰ در نوشته ای به نام «محاسبات ماشینی و هوشمندی»

دعوت به همکاری و درگاه ارتباطی

نشریه دانشجویی صریح از همه علاقه‌مندان به فعالیت در زمینه
های، نویسندگی، گویندگی، ویراستاری و طراحی برای فعالیت
دعوت به عمل می‌آورد. جهت همکاری اطلاعات بیشتر به آیدی
اینستاگرامی زیر مراجعه کنید.

mahdi_kuhneshin

دانشجو در کلام نگنجد بس که شکوه و عظمت، پشت آن نهاده شده است؛ نام دانشجو که بر زبان جاری
میشود، علم و دانش از آن خارج می‌شود و جویایی این علم و دانش به اندازه‌ی آسمان، بی‌کران و زیباست
و لحظه‌ای تمامی ندارد.

دانشجو، همانند چشمه‌ای در حال جوشیدن است که لحظه‌ای دست از جوشش بر نمی‌دارد و با هر
جوشش تحولی عظیم را برای کشورش رقم می‌زند.

همه‌ی دانشجویان، عزیز و گرانقدرند اما در میان این دانشجویان دسته‌ای وجود دارد که فارغ از جوشش
تعلیم و تربیت در آنها، همراه خود معرفت و عشق نیز همراه دارند؛ عشق به یادگیری و عشق به یاد دادن و
این دسته، دانشجو معلمان عزیزاند که هم لقب سنگین و گرانقدر معلمان را به یدک می‌کشند و هم لقب
دانشجورا که نماد آموختن است و چه لذتی دارد حضور در محضر این نوع از دانشجویان...

روز دانشجو بر همه‌ی علی‌الخصوص، دانشجو معلمان عزیز مبارک

محمدریحانی

۱۶ آذر روز دانشجو



در جنگ نرم، شما جوانهای دانشجو، افسران جوان این جبهه‌اید

افسر جوان توی صحنه است؛ هم به دستور عمل می‌کند، هم صحنه را درست می‌بینید؛ با جسم خود و جان خود صحنه را می‌آزماید. لذا اینها افسران جوانند؛ دانشجو نقشش این است.

سید علی